

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۸۵

شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۳، ۱۵ جولای ۲۰۲۴

### انتخاب پزشکیان: سرنگونی با شتاب بیشتر

#### کاظم نیکخواه

روی کار کشیدن چهره گمنامی به نام پزشکیان توسط حکومت اسلامی، داستان خود را دارد. او را ظاهراً آورده بودند تا مردم را به پای صندوق‌های رأی در انتخابات کذابی‌شان بکشانند. اما به یکباره اوضاع به گونه‌ای دیگر پیش رفت. بایکوت وسیع سیرک انتخاباتی توسط مردم، تفاوت فاحش آرا میان پزشکیان و نفرت بعد از او، و ترس حکومت از ایجاد تکان‌های سیاسی در حکومت و تأثیراتش بر فضای جامعه، و درعین حال آبروباختگی همه کاندیداهای دیگر نظیر مثل پورمحمدی و قالی‌باف و جلیلی، و علم به اینکه پزشکیان کارنامه "بدی" ندارد، همه اینها نهایتاً خامنه‌ای و دست‌اندرکاران حکومت را به این قناعت رساند و ناچار کرد که انتخاباتشان را به دور دوم بکشانند و نهایتاً پزشکیان را از صندوق رأی بیرون بکشند.

روی کار آمدن کسی مثل پزشکیان با هر حسابگری ای باشد، در شرایط کنونی و ادامه انقلاب زن زندگی آزادی، برای حکومت اسلامی به‌طورجدی دردرساز خواهد بود. پزشکیان چهره‌ای دوم خردادی اما گمنام در حکومت بود. او با گفتن اینکه من قبل از طرح حجاب، در دانشگاه و بیمارستان در تبریز طرح حجاب اجباری را پیاده کردم، شخصیت سیاسی و کارنامه خود را به‌روشنی مقابل مردم گذاشت و نشان داد که او از چه قماش است و کلاً اصلاح‌طلبان حکومتی چه کارنامه کثیف و ضدزن و ضدمردمی دارند. درعین حال پزشکیان وعده مشخصی به مردم نداد. وعده‌هایش نظیر روحانی از قماش بهبود رابطه جمهوری اسلامی با دولت‌ها در سطح بین‌المللی و رشد اقتصادی و تعادل و ثبات و امثال اینها بود.

سؤال این است که آیا روی کار آمدن او تأثیر ملموسی بر اوضاع سیاسی نخواهد داشت؟ به نظر من به‌قدرت‌رسیدن پزشکیان کشاکش‌های درونی حکومت اسلامی را به‌سرعت تشدید خواهد کرد و مردم را در برابر حکومت متعرض‌تر خواهد کرد. او درحال یک دوم خردادی است و به حکومت رسیدنش طیف وارفته دوم خردادی را حول‌وحوش او به جنب‌وجوش تازه‌ای خواهد انداخت. او نمی‌تواند به همه آنها پشت کند و فقط کارگزار خامنه‌ای باشد. بعلاوه او یک رئیس‌جمهوری تازه است و مردم او را زیر فشار قرار خواهند داد که به خواست‌هایشان جواب دهد. در شرایطی که فضای جامعه وسیعاً متعرض و اعتراضی است و درعین حال فقر و دزدی و فساد و سرکوب و اعدام و شکاف‌های طبقاتی بیداد می‌کند، او نمی‌تواند همچون رئیسی نسبت به همه چیز بی‌تفاوت بماند و راه خود را برود. مردم اجازه نخواهند داد. او وعده‌ای مشخص نداد. اما مردم او را برای انجام تغییرات زیر فشار جدی قرار خواهند داد. در این شرایط او ناچار است یا همچون دیگر سران حکومت علیه مردم موضع صریح بگیرد و شمشیر از رو ببندد که فوران بیشتر اعتراضات و اعتصابات کارگران و بخش‌های مختلف مردم را باعث خواهد شد، یا شروع به عقب‌نشینی‌ها و تغییراتی

ادامه در صفحه ۶

#### اطلاعیه انقلاب زنانه

نه قاطع به کلیت جمهوری اسلامی و «انتخاباتش»

پیروزی اکثریت مردم و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی

### انتصاب پزشکیان، علل و پیامدها

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۲

### جنبش قدرتمند علیه اعدام در مقابله با حکم

اعدام شریفه محمدی

شهلا دانشفر

صفحه ۵

### کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۲

صفحه ۷

### مانور خامنه‌ای و لیبک حزب دمکرات کردستان

اصغر کریمی

صفحه ۸

### اطلاعیه در مورد انتخابات ارگان‌های حزبی به

دنبال کنگره سیزدهم

صفحه ۹

### پیروزی غیرمنتظره چپ در فرانسه

گفتگو با کاظم نیکخواه

صفحه ۱۰

### خامنه‌ای و مهندسی دولت پزشکیان هم‌زمان با

تشدید اختلافات حکومتی

محمد شکوهی

صفحه ۱۳

### میان مردم و حکومت هیچ چیز تغییر نکرده است

مهران محبی

صفحه ۱۵

### اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۶



## انتصاب پزشکيان، علل و پیامدها تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

مدنی فشار می آورند، و در اذهان عمومی جهانیان خود را رژیم دموکراتیک و مبتنی بر رأی مردم جلوه بدهد. از این نقطه نظر انتخابات های حکومتی اساساً کاربرد خارجی دارد. البته این جنبه هم به ویژه بعد از انقلاب زن زندگی آزادی دیگر کاربرد چندانی ندارد. تئست رسوائی جانین حاکم بر ایران چنان از بام جهان افتاده است که این نوع ظاهر سازی ها در خارج از ایران نیز دردی از حکومت دوا نمی کند. کما اینکه دولت کانادا حوزه های انتخاباتی رژیم در این کشور را ممنوع کرد و اخیراً سپاه پاسداران را در لیست نیروهای تروریست قرار داد. کلاً امروز گفتمان جنایات حکومت، تروریستی اعلام کردن سپاه و محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم نسل کشی، در دهه شصت و جنایت علیه بشریت در میان نهادهای حقوق بشری و افکار عمومی جهانیان و حتی برخی پارلمان ها و دولت های غربی مطرح است و لذا بازی های انتخاباتی حکومت در این تصویر واقعی که جهان از جمهوری اسلامی دارد تغییری نمی تواند بدهد.

آخرین نکته هم این است که همه دنیا می داند در جمهوری اسلامی قدرت واقعی، هم در تعیین سیاست داخلی و هم خارجی، در دست فرد دیگری غیر از رئیس جمهور و نمایندگان مجلس است، و نفس این واقعیت هر نوع انتخاباتی در جمهوری اسلامی را پوچ و بی معنی می کند.

علی رغم اینها رژیم درمانده جمهوری اسلامی تلاش می کند با سیلی صورتش را سرخ نگه دارد و این طور وانمود کند که به رأی مردم متکی است. اما بخصوص امروز این تلاش ها بیش از همیشه رسوا و عبث و بی نتیجه شده است.

**جلیل جلیلی:** چرا بر خلاف دوره گذشته انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، به یک اصلاح طلب اجازه دادند در انتخابات شرکت کند؟ و مهم تر چرا او را از صندوق بیرون آوردند؟

**حمید تقوایی:** دلیل این امر تعرض جامعه به کل نظام جمهوری اسلامی است. امروز مسئله عاجل حکومت بحران همه جانبه ای است که مردم معترض عامل آن هستند. همه از توده های مردم گرفته تا نیروهای اپوزیسیون و تا هر جناحی از حکومت می دانند این نظام در سراشیب سقوط است. در جریان همین مضحکه انتخاباتی جامعه به روشنی نشان داد که انتخابش سرنگونی حکومت است. به نظر من ویژگی این انتخابات فقط این نبود که اکثریت بالائی آن را تحریم کردند، بلکه مهم تر از آن این بود که مردم

**جلیل جلیلی:** انتخابات نمایشی جمهوری اسلامی با آمار سازی های رسوا و نخ نما شده بالاخره به پایان رسید و پزشکيان را از صندوق رأی بیرون آوردند. این انتخابات با تحریم گسترده اکثریت بالائی از مردم روبرو شد و بیش از همه انتخابات های گذشته ضديت کل جامعه با حکومت را به نمایش گذاشت. در مورد روند این انتخابات و نتیجه آن با حمید تقوایی به گفتگو می نشینیم.

حمید تقوایی ابتدا می خواهم به جایگاه انتخابات در جمهوری اسلامی بپردازم. به نظر شما حکومت به برگزاری این نمایش های مسخره که هر دوره هم رسواتر می شود چه نیازی دارد؟

**حمید تقوایی:** در پاسخ به این سؤال می شود به دو جنبه اشاره کرد. اول اینکه جمهوری اسلامی گرچه نوعی دیکتاتوری فاشیستی است؛ ولی به ظاهر سازی انتخاباتی نیازمند است. دیکتاتوری هایی هستند که نیازی به این ظاهر سازی ندارند. برای آنها انتخابات محلی از اعراب ندارد و اگر هم انتخاباتی سر هم کنند تعداد کاندیداها و شرکت کنندگان و میزان رأی و غیره اهمیت و جایگاهی برایشان ندارد. به عنوان نمونه انتخابات مجلس در دوره شاه چنین انتخاباتی بود. انتخاباتی که نه دولت تبلیغات و هایوهویی حولش به راه می انداخت و نه مردم له یا علیه اعتراض و حرکتی می کردند. برای همه امری علی السویه بود. اما در جمهوری اسلامی چنین نیست. جمهوری اسلامی مدعی است نه تنها در ایران بلکه در منطقه و کشورهای اسلامزده مردم یا "امت مسلمان" را نمایندگی می کند، خود را رهبر جنبش اسلام سیاسی و مدافع مستضعفان در برابر شیطان بزرگ و اسرائیل می داند و غیره. از این رو از لحاظ استراتژیک به تبلیغات و تصویر سازی از خود به عنوان حکومتی که حمایت و رأی مردم را با خود دارد نیازمند است. همانطور که کل جنبش فوق ارتجاعی اسلام سیاسی به چنین تبلیغاتی نیازمند است. مردم هم این را می دانند و به همین خاطر همیشه تلاش کرده اند مضحکه انتخابات حکومتی را بر سرش خراب کنند. بخصوص سال ها است که نه تنها اکثریت عظیم جامعه نمایش های انتخاباتی را تحریم می کند؛ بلکه با صدای بلند به سرنگونی حکومت رأی می دهد.

نکته دوم اینکه نمایش های انتخاباتی رژیم اساساً برای بازار خارجی ترتیب داده می شود. در خود ایران همه مردم می دانند انتخابات پوچ و مضحکه است؛ ولی حکومت تلاش می کند به دیگر دولت ها، به ارگان های مدافع حقوق بشر، و کلاً نیروهایی که به جمهوری اسلامی برای رعایت آزادی های



مضحکه نمایش انتخاباتی رژیم به تراژدی تلخی برای کل حکومت منجر می‌شود. این آغاز دور تازه‌ای از تشتت و درماندگی حکومت در برابر موج اعتراضات مردم است.

**جلیل جلیلی:** همان‌طور که همه می‌دانند و شما هم تأکید کردید که اکثریت بالائی از مردم در این انتخابات شرکت نکردند. به نظر شما این امر در رئیس‌جمهور کردن پزشکيان چه تأثیری داشت؟

**حمید تقوایی:** همان‌طور که اشاره کردم جمهوری اسلامی یا به عبارت دقیق‌تر خامنه‌ای و هسته اصلی قدرت شامل بیت رهبری و سران سپاه و غیره، ناگزیر شدند پزشکيان را از صندوق بیرون بیاورند. در واقع می‌توان گفت که پزشکيان به جمهوری اسلامی تحمیل شد. بله، مردم رأی ندادند؛ ولی خامنه‌ای را ناگزیر کردند کسی را که از نظر استراتژیک انتخابش نیست را روی کار بیاورد.

ببینید الان چندین دوره است که خامنه‌ای سیاست یکدست کردن حکومت حول سیاست‌های خودش را دنبال می‌کند. هسته اصلی قدرت از دوره روحانی به بعد هر روز کوچک‌تر و فشرده‌تر شده است و خامنه‌ای حتی رقیق‌ترین اصلاح‌طلبان را نه‌تنها از دولت و کابینه بلکه از مجلس و قوه قضاییه و کلاً هرم تصمیم‌گیری کنار گذاشته است. حکومت این امر را یک نوع پیروزی برای خود محسوب می‌کرد؛ اما انتصاب پزشکيان نشانه شکست این خط است. شکست نه به‌خاطر اینکه جناح مقابل دست بالا پیدا کرده و قدرت گرفته است؛ بلکه به‌خاطر قدرت مردم. به‌خاطر اینکه مردم یکپارچه علیه کل نظام به‌پاخاسته‌اند. این هراس کل حکومت از جامعه به‌پاخاسته است که خامنه‌ای و هسته اصلی قدرت را مجبور می‌کند کسی را از صندوق بیرون بیاورند که انتخاب استراتژیک هیچ‌کدامشان نیست. از این‌رو با اطمینان می‌توان گفت عدم شرکت بخش عظیمی از جامعه در انتخابات و مهم‌تر از آن عرض‌اندام جنبش سرنگونی طلبانه نقش تعیین‌کننده‌ای در رضایت‌دادن خامنه‌ای به ریاست‌جمهوری پزشکيان داشته است.

**جلیل جلیلی:** ریاست‌جمهوری پزشکيان بر تناسب قوا میان جناح اصلاح‌طلب و جناح اصول‌گرا چه تأثیری خواهد داشت؟ آیا شاهد قدرت‌گیری بیشتر اصلاح‌طلبان در هرم قدرت خواهیم بود؟

**حمید تقوایی:** یک نکته روشن است. روی کار آوردن پزشکيان که همان‌طور که گفتم از سر ناچاری صورت گرفته است باعث می‌شود کشمکش‌ها و دعوای درون حکومتی بین باندهای مختلف اوج بگیرد. از هم اکنون دعوا بین باند قالیباف و جلیلی شروع شده است. هر یک دیگری را متهم می‌کند که باعث روی کار آمدن پزشکيان شده است!

کلاً باید گفت دیگر آن تقسیم‌بندی اصول‌گرا اصلاح‌طلب در مورد جناح‌های حکومتی صدق نمی‌کند. اصول‌گرایان خودشان به چندین گروه تقسیم می‌شوند که بعضاً مخالفتشان با باندهای دیگر اصول‌گرا شدیدتر از دعوا با اصلاح‌طلبان است. در جریان همین انتخابات نه‌تنها بر سر تعیین یک کاندید واحد به توافق نرسیدند؛ بلکه حتی وقتی روشن شد پزشکيان دست بالا را دارد حاضر نشدند به نفع دیگری کنار بروند.

اصلاح‌طلبان هم به‌هم‌ریخته هستند. موسوی و برخی دیگر از اصلاح‌طلبان انتخابات را تحریم کردند و حتی عروج پزشکيان به دور دوم هم نتوانست آنها را پای صندوق رأی بکشاند. نکته مهم‌تر اینکه کلاً اصلاح‌طلبی همان تفاوت‌های لفظی و صوری خود با اصول‌گرایی را هم از دست داده است. پزشکيان در مناظرات انتخاباتی‌اش گفت من ذوب شده در ولی‌فقیه هستم و از منویات او تبعیت خواهم کرد. امروز حکومت دیگر نه از دو جناح مختلف سیاسی بلکه از باندهای مافیائی متعددی تشکیل می‌شود که اختلافاتشان بیش‌ازپیش به سهم‌خواهی بیشتر و رقابت بر سر سلطه بر منابع اقتصادی و قدرت و رانت و چپاول بیشتر محدود می‌شود.

در یک سطح پایه‌ای این وضعیت بازتاب نقش تعیین‌کننده به‌پاخاستن جامعه است. مردم زمین رازیر پای همه اینها

نمایش انتخابات حکومتی را به رفتارندومی برای سرنگونی کل نظام تبدیل کردند. جامعه صرفاً امتناع نکرد؛ بلکه تعرض کرد. چهره‌ها و فعالین و نهادها و تشکل‌های دست‌اندرکار جنبش سرنگونی، جنبشی که پرچم زن زندگی آزادی را برافراشته است، و هم چنین فعالین سایر جنبش‌های اعتراضی و عرصه‌ای که امروز عملاً به‌عنوان بخشی از جنبش سرنگونی فعالیت می‌کنند، یکپارچه در بیانیه‌ها و فراخوان‌ها و دیوارنویسی‌ها و شعارهای خیابانی، از جمله در تجمعات اعتراضی بازنشستگان، و در مدیای اجتماعی یکپارچه اعلام کردند رأی ما سرنگونی و انتخاب ما زن زندگی آزادی است.

این وضعیتی است که حکومت را در بحران همه‌جانبه‌ای فروبرده است. مانور انتخاباتی خامنه‌ای تلاشی برای تخفیف این بحران بود. برای آنکه به نحوی صورت مسئله را عوض کنند، توجه‌ها را از طوفان عظیمی که علیه‌شان شکل گرفته منحرف کنند، این توهم را ایجاد کنند که دور تازه‌ای شروع شده که با دوره دولت جلال‌تهرانی که منفور خاص و عام بود فرق می‌کند، مجبور شدند اولاً یک چهره اصلاح‌طلب را در بازی انتخاباتی‌شان شرکت بدهند تا بازار انتخاباتشان گرم بشود و ثانیاً او را از صندوق بیرون بیاورند به این امید که در اذهان عمومی بخصوص در سطح جهانی این‌طور به نظر برسد که شرایط فرق کرده است. این‌طور به نظر برسد که "اصلاح‌طلبان" و "میان‌روها" روی کار آمده‌اند و قرار است شرایط بهبود پیدا کند.

رژیم با جلوراندن پزشکيان بخصوص روی این حساب بازکرده است که در زمینه سیاست خارجی در رابطه با تنش با غرب و تحریم‌ها، مسئله هسته‌ای، و باز شدن پرونده جنایاتش به اتهام نسل‌کشی، دهه شصت و جنایت علیه بشریت، تروریستی اعلام‌شدن سپاه و غیره، فرجی در کارش حاصل بشود. توجه افکار عمومی جهانیان، دولت‌ها و نهادهای حقوق بشری را از این مسائل منحرف کند و گفتمان حمایت از "دولت میان‌رو پزشکيان" را بجای حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی در برابر دولت رئیسی جلال‌بنشاند.

اما کل این مانور انتخاباتی رژیم بر متن جنبش انقلابی عظیمی اتفاق می‌افتد که در عرصه‌های مختلفی ادامه دارد و مشکل اصلی حکومت هم همین است. مانور انتخاباتی رژیم این بار برخلاف گذشته نوعی تجدید تقسیم قدرت بین باندهای حکومتی نبود؛ بلکه تلاش کل حکومت برای تخفیف بحران عمیقی بود که جنبش زن زندگی آزادی موجد آن است. حکومت با به بازی گرفتن اصلاح‌طلبانی که در چند انتخابات اخیر تماماً کنار گذاشته شده بودند، به خیال خودش راه‌حلی پیدا کرد که لاقلاً بحران را تخفیف بدهد. راه‌حلی از سر ناچاری و درماندگی با این امید که لاقلاً بخشی از مردم سرنگونی‌طلب، نیروها و احزاب ناپیگیر در این جنبش، و دولت‌ها و نهادهای حقوق بشری در سطح جهانی را در مقابله با جمهوری اسلامی دچار شک و تردید کند و منتظر بهبود شرایط نگاه دارد. از نظر رژیم نفس مطرح‌شدن این نوع توهمات و انتظارات می‌تواند مبارزات مردم را دچار اختلال کند و به‌نوعی برای نظامش که با خشم و نفرت بخش‌های مختلف جامعه روبروست وقت بخرد. به نظر من، هم شرکت دادن پزشکيان در انتخابات با چنین محاسبات و در واقع توهماتی صورت گرفت و هم به‌ویژه از صندوق بیرون آوردن او.

رژیم تصور می‌کرد با بازی‌دادن پزشکيان بازار انتخابات داغ می‌شود؛ اما این‌طور نشد. حتی با آمار چندین برابر شده خودشان هم انتخابات اخیر یکی از پرونق‌ترین و سوت و کورترین نمایش‌های انتخاباتی حکومت بود. متوجه شدند صرفاً تأیید پزشکيان به‌عنوان کاندید کافی نیست. رأی مردم به سرنگونی در همان دور اول به رژیم نشان داد که ناگزیرند این نمایش "بازگشت اصلاح‌طلبان" را تا به آخر ادامه بدهند. اما با انتصاب پزشکيان

## انتصاب پزشکيان، علل و پيامدها

از صفحه ۳

است نخواهد کرد؛ ولی نفس حاد شدن دعوای جناحی سر این مسائل به تعرض بیشتر جامعه علیه کل حکومت منجر خواهد شد. شرایطی فراهم می‌شود تا مردم در صفوف گسترده‌تری تعرض کنند، مطالبه‌گری کنند، و علیه فقر و فساد علیه حجاب، علیه اعدام‌ها و غیره و غیره به میدان بیایند.

از این رو هم در سطح جامعه و هم در سطح خود حکومت نه تنها انتصاب پزشکيان دردی از حکومت دوا نخواهد کرد؛ بلکه این امر موجب کشمکش‌های تازه و تعارضات و تناقضات جدیدی در حکومت خواهد شد که تنها نتیجه‌اش می‌تواند تضعیف بیشتر حکومت و تقویت و تعرضی‌تر شدن صفوف مردم علیه حکومت باشد.

نکته دیگر اینکه خود روند نمایش انتخاباتی و نتیجه‌اش اعتماد به نفس و روحیه تعرضی مردم را ارتقا داده است. مردم در تحمیل پزشکيان به رژیم قدرت خود را می‌بینند و نفس این امر زمینه گسترده‌تر شدن و تعرضی‌تر شدن اعتراضات را فراهم می‌کند.

از سال ۱۴۰۱ جنبش عظیمی برای سرنگونی حکومت و با شعار مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر دیکتاتور و مهم‌تر از همه با پرچم زن زندگی آزادی در جریان است. در این دوره حکومت در جنایت علیه مردم سنگ تمام گذاشته است؛ اما هرچه بیشتر زده و بسته جامعه خشمگین‌تر و تعرضی‌تر شده است. گرچه تظاهرات خیابانی کمتر از ماه‌های آغاز انقلاب است؛ ولی خیزش انقلابی در خیلی از عرصه‌ها، در بنیادهای و فراخوان‌های چهره‌ها و نهادهای مبارزاتی، در فضای سیاسی جامعه و مدیای اجتماعی، و حتی در اعتراضات و اعتصابات که معمولاً صنفی و مدنی و مطالباتی محسوب می‌شوند، با طرح شعارهای سیاسی ضد حکومتی حول شعار محوری زن زندگی آزادی گسترده و فعال است. به نظر من امروز زن زندگی آزادی نه تنها به عنوان آیکون و پرچم انقلاب ایران بلکه به عنوان نماد جامعه ایران در جهان شناخته شده است. هرکس در هر جای دنیا تحولات سیاسی دو سال اخیر ایران را دنبال کرده باشد جامعه و تحولات سیاسی ایران را با زن زندگی آزادی تداعی می‌کند. بروز خیابانی انقلاب در هر سطحی باشد جامعه ایران دیگر نه با اسلام و مرگ بر آمریکا و مردمی که ظاهراً به‌خاطر فرهنگ اسلامی‌شان حجاب سر می‌کنند و به حکومتی مثل جمهوری اسلامی رضایت داده‌اند، بلکه با زن زندگی آزادی شناخته می‌شود.

انتصاب پزشکيان بر متن چنین اوضاعی تنها می‌تواند شرایط را برای برآمدهای توده‌ای حتی گسترده‌تر از ۱۴۰۱ فراهم کند. انتخابات با عدد و رقم نشان داد که اکثریت قاطع جامعه خواهان سرنگونی حکومت است و این خود یک نقطه عطفی در جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. این دیگر به عنوان یک فاکت غیرقابل انکار ثبت شده است که اکثریت بالای از جامعه خواهان سرنگونی است و این امر تأثیر بسیار مهمی بر ادامه روند اعتراضات مردم خواهد داشت. جامعه از این انتخابات سربلند بیرون آمد و جمهوری اسلامی شکست خورده و بی‌اعتبارتر از همیشه و به همین خاطر جنبش زن زندگی آزادی با مومنتوم بیشتری و اعتماد به نفس بیشتری به پیش خواهد رفت. بعد از این انتخابات توازن قوا بیش از پیش به نفع مردم و به ضرر جمهوری اسلامی تغییر کرده است و ما این را در حرکت‌های اعتراضی شاهد خواهیم بود. حزب ما با تمام توان تلاش خواهد کرد تا جامعه در این جهت پیش برود، صفوف مبارزه هر چه متحدتر و منسجم‌تر شود و علیه جمهوری اسلامی گام‌های بزرگ‌تری به جلو بردارد.

۲۲ تیر ۱۴۰۳، ۱ ژوئیه ۲۰۲۴

داغ کرده‌اند و صفوف حکومت اساساً به‌خاطر تعرض جنبش سرنگونی طلبانه مردم کاملاً به‌هم‌ریخته است. دیگر داستان رقابت میان خط "بازگشایی سیاسی و تعامل با غرب" با خط "مرگ بر آمریکا و مرگ بر ضد ولایت فقیه" در میان حکومتی‌ها به پایان رسیده است. مدت‌هاست مردم پایان ماجرا بین اصلاح طلب و اصول‌گرا را اعلام کرده‌اند و از نظر متوهم کردن جامعه نیز اصلاح طلبی ارزش مصرف خود را برای رژیم از دست داده است.

ببینید در انتخابات‌های گذشته وقتی مثلاً روحانی و یا خاتمی با پرچم اصلاح طلبی کاندید شدند بخشی از جامعه به‌خاطر ترجیح بد به بدتر و تاکتیک بجان هم انداختن جناح‌ها و از این طریق تضعیف حکومت به اصلاح طلبان رأی دادند. رأی آنها به امثال خاتمی و روحانی در واقع رأی منفی به کاندیداهای مورد حمایت خامنه‌ای یعنی ناطق نوری و جلیلی بود. نوعی مرگ بر خامنه‌ای از طریق صندوق رأی. مردم این‌طور حساب می‌کردند که با انتخاب اصلاح طلبان صفوف حکومت بیشتر در هم می‌ریزد؛ اما امروز دیگر مردم نیازی به این تاکتیک‌ها ندارند. امروز مرگ بر خامنه‌ای در خیابان‌ها فریاد زده می‌شود و بر در و دیوارها نقش می‌بندد و مردم صریح و پواسطه دارند سرنگونی طلبی خود را اعلام می‌کنند. از این رو ارزش مصرف و کاربرد خط استحاله و اصلاح طبی برای کل حکومت خاتمه یافته است. دوره تازه کمترین شباهتی به دوره روحانی و خاتمی ندارد. دوره، دوره انقلاب و دوره سرنگونی کل حکومت است و دیگر جایی برای مانورهای انتخاباتی حکومتی‌ها باقی نمانده است.

**جلیل جلیلی:** شما در صحبتتان به بحران حکومت اشاره کردید. آیا انتصاب پزشکيان می‌تواند بحران حکومت را تخفیف بدهد؟

**حمید تقوایی:** به نظر من بحران حکومت شدیدتر خواهد شد. همان‌طور که توضیح دادم پزشکيان انتخاب استراتژیک خامنه‌ای و دارودسته‌اش نیست. به آنها تحمیل شده و این امر برای خامنه‌ای و کل حکومت مسائل زیادی را به دنبال خواهد داشت. مسئله تنها رقابت‌های باندهای حکومتی نیست؛ بلکه یک بخش تعیین کننده نظام، یعنی سران سپاه و بسیج و مهره‌های اصلی دستگاه‌های حکومتی با این انتصاب مسئله دارند.

ببینید انتصاب پزشکيان سناریوی نبود که همه از پیش بر سر آن توافق کرده بودند و مثلاً جلیلی و قالیباف و غیره هم رضایت داده بودند. به همین خاطر هم همان‌طور که اشاره کردم از هم اکنون کشمکش‌های درون حکومت بالا گرفته است. این دور تازه کشمکش‌ها هم دیگر با جناح‌بندی اصول‌گرا اصلاح طلب قابل توضیح نیست؛ بلکه بجان هم افتادن همه باندهای حکومتی در شرایطی است که کل نظامشان را در سرایش سقوط می‌بینند. قرار نیست پزشکيان بدون تأیید خامنه‌ای قدم از قدم بردارد؛ ولی انتصاب او در حال به کشمکش در میان باندهای حکومتی مثلاً بر سر سیاست خارجی، برجام، تحریم‌ها، سیاست هسته‌ای، تعامل با غرب و غیره دامن می‌زند. انتصاب پزشکيان سرآغاز تشتت بیشتر در صفوف حکومت خواهد بود.

**جلیل جلیلی:** اجازه بدهید آخرین سؤال را در رابطه با تأثیر انتخابات بر اوضاع سیاسی ایران و جنبش زن زندگی آزادی مطرح کنم. به نظر شما این انتخابات و نتیجه‌اش چه تأثیری بر وضعیت سیاسی ایران و مشخصاً رابطه مردم با رژیم و جنبش زن زندگی آزادی خواهد داشت؟

**حمید تقوایی:** به نظر من اولین تأثیر به‌هم‌ریختگی صفوف حکومت که در بالا توضیح دادم تعرض بیشتر مردم خواهد بود. جامعه مثل همیشه از کشمکش‌های درون حکومتی استفاده می‌کند تا مبارزات و انقلاب خود علیه کل آنها را به پیش ببرد. پزشکيان به احتمال زیاد هیچ اقدام تازه‌ای حتی در هیچ‌یک از زمینه‌های سیاست خارجی که در مناظره‌هایش ادعا کرده

زندانی سیاسی  
آزاد باید گردد



## جنبش قدرتمند علیه اعدام در مقابله با حکم اعدام شریفه محمدی

### شریفه محمدی آزاد باید گردد



شهرلا دانشفر

شریفه محمدی، فعال حقوق کارگران را محکوم کرد و خواستار برخورد نهادهای بین‌المللی با چنین «احکام ظالمانه‌ای» شد.

- بیانیه‌های بسیاری از سوی بخش‌های مختلف کارگری و اجتماعی در اعتراض به این حکم جنایت‌کارانه منتشر شده است. از جمله هفت تشکل کارگری، انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه، شورای بازنشستگان ایران، ندای زنان ایران، نهاد دادخواهان، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث، طی بیانیه‌ای مشترک صدای اعتراض خود را علیه این حکم و سناریوسازی‌های واهی حکومت و اعدام‌ها بلند کرده و خواستار آزادی شریفه محمدی و لغو حکم اعدام وی شده‌اند. در همین راستا چهار تشکل مستقل کارگری، به اسامی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کارگران بازنشسته خوزستان، در بیانیه مشترکی ضمن اعلام حمایت از کمپین دفاع از شریفه محمدی همگان را به پیوستن به این کارزار فراخوانده‌اند.

علاوه بر بیانیه‌های مشترک تشکل‌های مختلف کارگری - اجتماعی از جمله اتحاد بازنشستگان، دانشجویان پیشرو، کانون نویسندگان، سندیکای شرکت واحد و چهره‌هایی چون گوهر عشقی، مادر دادخواه، ریحانه انصاری نژاد از درون زندان و فرهاد میثمی زندانی سیاسی سابق بیانیه داده و حکم ظالمانه اعدام علیه شریفه محمدی را محکوم کرده‌اند.

- بازنشستگان در یکشنبه‌های اعتراضی خود در هفدهم تیرماه در شهرهای شوش و تهران با فریاد "شریفه محمدی را آزاد کنید"، اعتراض و تشکل حق مسلم ماست" و با فریاد مطالبات خود، به این کارزار اجتماعی علیه حکم اعدام شریفه محمدی و علیه اعدام‌ها و سرکوبگری‌های حکومت قد علم کردند.

- در خارج از کشور نیز، آکسیون‌های اعتراضی متعددی در شهرهای مختلفی چون فرانکفورت، گوتنبرگ، تورنتو، ونکوور، واشنگتن، استکهلم، مالمو و کلن به پا شد و این اعتراضات ادامه دارد. در پانزدهم تیرماه در تورنتو به دعوت گروه "ایرانیان کانادایی برای دموکراسی" جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر، در میتینگی که بیش از صد نفر در آن شرکت داشتند، حضور پیدا کرد و سخنرانی نمود. او بعد از ارائه گزارش خود از نقض حقوق بشر توسط رژیم اسلامی و اشاره به جنایات حکومت اسلامی در مورد حکم اعدام شریفه محمدی بر طرح این موضوع در کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل تأکید کرد.

حکم اعدام شریفه محمدی بازتاب جهانی وسیعی یافته است. کارزار جهانی نه به اعدام در ایران از کمپین دفاع از شریفه محمدی پشتیبانی کرد و در همین فاصله ("کمیسیون‌های کارگران اسپانیا") در بخش کشورهای عربی، آفریقا، آسیا و همچنین در سازمان جهانی کار طی بیانیه‌ای بر لغو فوری حکم ظالمانه اعدام علیه شریفه محمدی تأکید کرد. سازمان عفو بین‌الملل، روز دوشنبه ۱۸ تیر با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری و حقوق زنان توسط رژیم ایران، خواهان آزادی وی شد. همچنین جمعی از جوانان آلمانی عضو گروه دانشجویی اتحادیه کارگری آلمان «دگ ب»

صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی فعال کارگری، زیست‌محیطی و معترض علیه اعدام در رشت به اتهام "بغی" موجی گسترده از اعتراض از سوی تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی و از درون زندان‌ها و در سطح بین‌المللی را دامن زده

است. این حکم جنایت‌کارانه به دنبال هفت ماه بازداشت، شکنجه و بازجویی در شکنجه‌گاه‌های شهرهای مختلف و در سناریوی نخنما و با اتهاماتی بی‌پایه علیه او صادر شده است. جرم شریفه محمدی دفاع از حقوق کارگران و اعتراض علیه اعدام‌ها است. نگاهی داشته باشیم به گوشه‌هایی از سیل اعتراض علیه اعدام شریفه محمدی طی یک هفته گذشته:

- ۱۶ زندانی سیاسی از بند زنان اوین طی بیانیه‌ای تحت عنوان "کنار تمام کسانی که خطر حکم مرگ تهدیدشان می‌کند ایستاده‌ایم و خواهان توقف حکم اعدام هستیم"، با اعلام اینکه این حکم نه فقط علیه شریفه محمدی، بلکه علیه همه فعالین کارگری، سیاسی، مدنی، حقوق بشری و فعالین حوزه زنان است هشدار داده‌اند که این حکم بیش درآمدی برای صدور احکام سنگین بعدی است و در بیانیه خود می‌نویسند: "آنچه بیش‌ازپیش در این حکم مرگ دیده می‌شود سیاست سرکوبی است که به‌واسطه آن می‌خواهند صدای اعتراض و مطالبه‌گری که با خیزش انقلابی ۱۴۰۱ به سطح قابل تأملی ارتقا یافته بود را، خفه کرده و زنان را که با صدایی بلندتر از پیش به عرصه "حق" خواهی گام گذاشته‌اند، مرعوب و وادار به عقب‌نشینی کنند." و در خاتمه امضاکنندگان این بیانیه همراهی خود را با کمپین دفاع از شریفه محمدی اعلام می‌کنند. اسامی این زندانیان عبارت‌اند از: سروناز احمدی، آنیسا اسداللهی، هستی امیری، ریحانه انصاری نژاد، گلرخ ایرایی، سکینه پروانه، ناهید تقوی، ناهید خداجو، نسرین خضری‌جوادی، ویدا ریانی، محبوبه رضایی، مهناز طراح، سپیده قلیان، نرگس محمدی، وریشه مرادی، و مریم یحیوی.

- وریشه مرادی زندانی سیاسی محبوس در اوین صدور چنین احکامی را "گواه روشنی بر زنجیر ستمی جمهوری اسلامی" اعلام کرد.

- ۵۵ نفر از زندانیان سیاسی در اوین که سی نفر آنها از بند زنان و ۲۵ نفر آنان مردان زندانی بند ۴ اوین هستند، در اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی با اعلام اعتصاب‌غذا برای روز ۲۱ تیر به کمپین دفاع از شریفه محمدی پیوسته‌اند. بعلاوه در بیست و چهارمین هفته از سه‌شنبه‌های نه به اعدام زندانیان سیاسی از واحدهای ۳ و ۴ قزل‌حصار و بند زنان و بندهای ۶، ۳ و ۷ اوین و بعلاوه هفت زندانی دیگر، مخالفت خود را با حکم بی‌شرمانه و ننگین اعدام برای شریفه محمدی اعلام کرده و خواستار حمایت سراسری برای توقف ماشین اعدام حکومت شده‌اند. در همین روز همگام با سه‌شنبه‌های نه به اعدام، طوفانی اعتراضی در توییتر و اینستاگرام با هشتگ شریفه محمدی به راه افتاد که رکورددار شد.

- صد و چهل و شش فعال اجتماعی گیلان، ضمن انتشار بیانیه‌ای صدور حکم اعدام علیه شریفه محمدی، فعال کارگری را محکوم کرده و خواستار لغو این حکم شدند.

- سازمان حقوق بشر ایران با انتشار بیانیه‌ای صدور حکم اعدام برای

جنبش قدرتمند علیه اعدام در مقابله با حکم اعدام شریفه محمدی  
از صفحه ۵

حکم اعدام شریفه محمدی، فعال کارگری، و آزادی بی‌قیدوشرط او شدند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) نیز، ضمن اطلاع‌رسانی در مورد حکم اعدام شریفه محمدی، با ارسال نامه‌ای سرگشاده به اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انسان‌دوست در سطح بین‌المللی خواستار فشار آوردن بر جمهوری اسلامی برای آزادی فوری شریفه محمدی و لغو حکم اعدام وی شده است.

یک تأکید این کمپین فشار آوردن بر سازمان جهانی کار برای پایان دادن به ممانشات خود با این حکومت زندان و اعدام و سرکوبگر مردم ایران و اخراج آن از این سازمان و نیز بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی به‌خاطر همه جنایاتش است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از کارزار "دفاع از شریفه محمدی" قاطعانه پشتیبانی کرده و همگان را به پیوستن به این کارزار فرامی‌خواند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش دارد که صدای شریفه محمدی و خانواده‌اش، صدای مادر او که پیام داد و از حکم ظالمانه اعدام برای فرزندش ابراز نگرانی کرد و صدای همسر و فرزندش باشد.

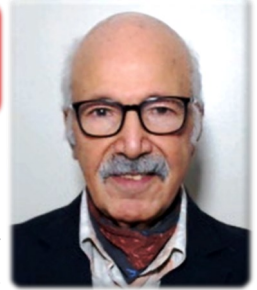
با قدرت اتحاد سراسری و جهانی و کارزار قدرتمند بین‌المللی شریفه محمدی، می‌توانیم حکومت اسلامی را عقب برانیم. شریفه محمدی باید فوراً آزاد شود.

شهلا دانشفر

سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۰ تیر ۱۴۰۳، ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۴

انتخاب پزشکین: سرنگونی با شتاب بیشتر  
از صفحه نخست



هرچند ناچیز در اوضاع کند که فوراً ناکافی بودن آنها اعتراضات بیشتری را به همراه خواهد آورد.

حکومت اسلامی زیر فشار جدی جامعه است. با روی کار کشیدن پزشکین حکومت احتمالاً امیدوار است که اوضاع آرام‌تر شود. اما درست برعکس است. مردم این تحول را نتیجه فشارهای خود و ضعف حکومت می‌دانند و امیدوارترند و خواست‌هایشان را وسیع‌تر از قبل جلو خواهند کشید و حکومت را زیر ضرب اعتراضات وسیع‌تر قرار خواهند داد. در این شرایط خیلی زود دعواها و کشاکش‌های درونی حکومت سریعاً گسترش خواهد یافت و این خود به اعتراضات بیشتر و بیشتر دامن خواهد زد.

دو خردادی‌ها و اصلاح‌طلبان حکومتی خود را برنده می‌دانند و میدان‌داری می‌کنند و قطعاً سعی می‌کنند راه قبل را در پیش بگیرند و حکومت را از طوفان اعتراضات بیرون بکشند. اما این دوره گذشته است. مردم این تلاش‌ها و توطئه‌ها را خیلی زود بهم خواهند زد و نتیجه را به نفع خود تغییر خواهند داد. انقلاب زن زندگی آزادی پاسخ نهایی را به حکومت خواهد داد و کار همه‌شان را خیلی زود تمام خواهد کرد.

در کل جمهوری اسلامی وارد یک دوره بحرانی عمیق‌تر شده است؛ اما سرنوشت این بحران را مردم تعیین خواهند کرد نه تصمیم حکومت. چشم‌انداز اوضاع به‌هم‌ریختگی بیشتر حکومت و گسترش اعتراضات و تعرض بیشتر مردم به حکومت تا سرنگونی است و جمهوری اسلامی گریزی از آن نخواهد داشت. برعکس حکومت اسلامی با ریاست پزشکین بسیار نسبت به قبل متشنتر و ضعیف‌تر شده و مردم با قدرت و چشم‌انداز روشن‌تری جلو خواهند آمد.

## حکم اعدام شریفه محمدی محکوم است!

و باید فوراً لغو شود!

شریفه محمدی آزاد باید گردد!

مجازات اعدام باید فوراً  
لغو گردد. اعدام یا هر  
نوع مجازات متضمن  
تعرض به جسم افراد  
(نقص عضو، تنبیه بدنی،  
و غیره) تحت هر  
شرایطی ممنوع است.  
همچنین مجازات  
حبس ابد باید لغو شود.  
(یک دنیای بهتر)



## کارزار حمایت از شریفه محمدی شماره ۲

## کارزار حمایت از شریفه با قدرت به پیش می‌رود به آن پیوندید!

چهارشنبه به مدت ۲۴ ساعت دست به اعتصاب غذا زدند. شورای بازنشستگان ایران، اتحاد بازنشستگان، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، نهاد دادخواهان، ندای زنان ایران، بیدارزنی، گروه اتحاد بازنشستگان، کانون نویسندگان ایران، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، جمعی از نواندیشان دینی.

۱۶ زندانی سیاسی زن از زندان اوین، داود رضوی، حسن سعیدی و رضا شهبانی، اسماعیل عبدی، اسماعیل بخشی، علی نجاتی، پروین محمدی، میثم فرهادی، ریحانه انصاری نژاد، محمود صالحی، گوهر عشقی، وریشه مرادی

زندانیان سیاسی در ۹ زندان کشور در بیانیه سی و چهارمین هفته اعتصاب‌غذای خود ضمن اشاره به حکم جنایت‌کارانه اعدام برای شریفه خواهان لغو فوری این حکم شده و بر حرکتی اجتماعی برای مقابله با ماشین اعدام‌های حکومت تأکید کردند.

در خارج کشور نیز تاکنون تجمعاتی در حمایت از شریفه برگزار شده و در روزهای آینده نیز در چندین شهر آلمان، فرانسه و سوئد تجمعاتی به این مناسبت برگزار می‌شود.

کارزار حمایت از شریفه محمدی کارزاری علیه مجازات اعدام، برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، علیه زن‌ستیزی و دفاع از حق تشکل و اعتراض و اعتصاب و تحزب است. این کارزاری مهم در فضای سیاسی کنونی در ایران است و باید با تمام قوا از آن حمایت کرد.

**حزب کمونیست کارگری ایران**

۲۲ تیرماه ۱۴۰۳، ۱۲ جولای ۲۰۲۴

کارزار حمایت از شریفه محمدی به قدرت به پیش می‌رود. در تازه‌ترین اقدام کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL، بزرگ‌ترین تشکل کارگری در این کشور که بیش از ۵۰ نیم‌میلیون عضو دارد، در بیانیه‌ای خواهان لغو فوری حکم اعدام شریفه محمدی و آزادی فوری و بی‌قیدوشرط او شد. در این بیانیه آمده است:

«هدف از صدور حکم اعدام برای یک فعال کارگری و مدنی ایجاد وحشت در میان جامعه مدنی و مخالفان سیاسی و وادار کردن مردم به تمکین، با توسل به قهر و خشونت و با هدف به حاشیه راندن جنبش‌های اجتماعی و به حاشیه راندن آنها در تحولات سیاسی آینده در ایران است. حکم اعدام شریفه محمدی و سایر زندانیان سیاسی و معترضان شرکت‌کننده در خیزش مردمی باید فوراً و بدون قیدوشرط لغو شود. مبارزه برای لغو این حکم و آزادی شریفه محمدی و دیگر زندانیان سیاسی، کارگری و مدنی، عرصه‌ای مهم و تعیین‌کننده در مبارزه کارگران ایران برای ایجاد تغییر در کشور و دستیابی به جامعه‌ای آزاد، عدالت‌محور و شکوفا است.»

ما در ظرفیت کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا طی ماه‌های آینده همراه با دیگر تشکل‌های بین‌المللی، صدای جنبش "زن زندگی آزادی" را همچنان تقویت خواهیم کرد و همدلی و همبستگی خود را با همه آنهایی که در ایران با پذیرش خطر مرگ برای دموکراسی، حقوق بشر و حقوق سندیکایی مبارزه می‌کنند، نشان خواهیم داد.»

لیستی از حمایت‌های تاکنونی از کارزار حمایت از شریفه:

پلاتفرم سندیکا‌های کارگری سوئد - ایران، عفو بین‌الملل، کمیسیون‌های کارگران اسپانیا، جمعی از جوانان آلمانی عضو گروه دانشجویی اتحادیه کارگری آلمان «دگ ب» و اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلبانی، بنادر و کشتیرانی استرالیا (CFMEU)

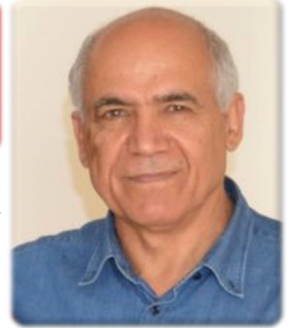
۸۵ زندانی سیاسی در اعتراض به حکم اعدام شریفه از ساعت ۱۱ شب



شریفه محمدی  
آزاد باید گردد



## مانور خامنه‌ای و لیک حزب دمکرات کردستان



اصغر کریمی

موضوع را بهانه‌ای برای دست شستن از سرنگونی و درپیش گرفتن راه سازش و مذاکره کند و تلاش کند صفوف خود را با این توجیهات برای بازگشت به این سیاست قدیمی آماده سازد.

مانور خامنه‌ای بر حزب دمکرات مؤثر واقع افتاد؛ اما این مانور را جامعه در جریان انتخابات قلابی تماماً نقش برآب کرد و مشت محکمی به سینه حکومت و خامنه‌ای زد. انتخاب پزشک‌های صفوف حکومت را به هم ریخته‌تر و متزلزل‌تر خواهد کرد و صف انقلاب و سرنگونی‌طلبی را به مراتب تعرضی‌تر و عمیق‌تر خواهد ساخت. حزبی که اتکایش نه به مردم؛ بلکه چشم دوختن به جناح‌هایی از حکومت است عملاً در برابر مردم و صف انقلاب قرار می‌گیرد. این سیاست یک اسکندال برای حزب دمکرات است و با عکس‌العمل محکمی از طرف مردم پاسخ خواهد گرفت و بعید است رهبری این حزب بتواند حتی صفوف خودش را پشت چنین سیاست پرو رژیم به خط کند. این سیاست مبنای شکاف تازه‌ای در صفوف خود این حزب خواهد بود.

جامعه مسیر خودش را انتخاب کرده است و کوتاه نمی‌آید. درسی که مردم از این موضوع خواهند گرفت این است که تفاوت احزاب اپوزیسیون انقلابی و غیرانقلابی، چپ و راست، سازش‌ناپذیر و سازش‌کار را عمیق‌تر خواهند شناخت.

در همه‌جا سیستم سرمایه‌داری سیستم فقیر سازی مداوم کارگران است. کارگر در سیستم سرمایه‌داری مدام فقیرتر می‌شود. کارگر با کارش حداکثر هزینه زنده‌ماندنش را تأمین می‌کند. این یک حقیقت و یک واقعیت بسیار جدی در نظام سرمایه‌داری است که در سراسر جهان امروز قابل مشاهده است. رشد عظیم و باورنکردنی تکنولوژی و باور آوری کار که نسبت به قبل صدها برابر افزایش یافته یک‌ذره به بالا رفتن سهم کارگر از تولید نینجامیده است. مزد کارگر همه‌جا همچنان حداکثر در حدی است که کفاف زنده‌ماندن او و خانواده‌اش را می‌دهد. ساعات کارگران علی‌رغم جدال‌های بسیار همچنان عملاً بالاست. کارگران ظاهراً در اکثر کشورها هشت ساعت کار می‌کنند. این هم با جنگ و جدل‌های بسیار به صورت قانون درآمده. اما عملاً حتی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری کارگران برای اینکه کمی بهتر از حد بخورونمیر سهم ببرند مجبورند ده ساعت و دوازده ساعت و بیشتر در روز کار کنند. اضافه‌کاری جزء جدایی‌ناپذیری از سیستم کار کارگران است.

(سرمایه داری را بشناسیم، کاظم نیکخواه)

خالد عزیزی سخنگوی حزب دمکرات کردستان ایران در مصاحبه با ایران اینترنشنال صریحاً اعلام کرد که «موقعی که پزشک‌های قول و وعده وعیدهایی داده دیگر آنجا مسئله براندازی مطرح نیست.» ظاهراً از نظر حزب دمکرات پزشک‌های در زمینه مسئله قومی و اتنیکی و مذهبی قول‌هایی داده است! مواضع خالد عزیزی همانطور که خود ایشان در این مصاحبه اعلام کرد متکی بر ذهنیت اقلیت بسیار کوچکی است که به هر دلیل در انتخابات کذایی حکومت شرکت کرده‌اند. کل صحبت ایشان در همین راستا بود به طوری که مجری برنامه فرداد فرحزاد گفت شما دارید در کانتکست داخل جمهوری اسلامی صحبت می‌کنید و ایشان صریحاً جواب داد که با وعده‌های پزشک‌های دیگر براندازی در داخل مطرح نیست.

گویا دوران تازه‌ای شروع شده و قرار است جمهوری اسلامی با رئیس‌جمهور جدیدی که در خامنه‌ای ذوب شده مسائل «قومی و مذهبی!» را که این راهم آقای خالد عزیزی باید تفسیر کند که یعنی چه، حل و فصل کند. پزشک‌های نه هیچ قولی برای حل کوچک‌ترین مسئله‌ای داده است و نه می‌خواهد و می‌تواند کوچک‌ترین تغییری در سیاست‌های خامنه‌ای که به قول خودش تابع منویات اوست، ایجاد کند. قرار نیست چیزی تغییر کند. نه سرکوب و ستم ملی، نه ستم مذهبی، نه بی‌حقوقی سیاسی، نه فقر و فلاکت اقتصادی نه اعدام، نه حجاب اجباری. اولین سؤال از سخنگوی حزب دمکرات این است که پزشک‌های جز اینکه زبان کردی بلد است! چه تفاوتی با دیگر مقامات حکومتی دارد؟

آنچه روشن است این است که مانور خامنه‌ای که صلاحیت پزشک‌های را تأیید کرد و اجازه داد او از صندوق بیرون بیاید به این امید که شاید توهماتی ایجاد کند، امید کاذبی ایجاد کند که حالا صبر کنید دوره جدیدی شروع می‌شود و شاید رابطه با غرب تغییریاتی بکند، شاید یک نیمه‌اصلاح طلب آمده کمی اوضاع تغییر کند، بر خالد عزیزی و حزب دمکرات کارساز شده است. رئیس‌جمهور منفور و به بن‌بست رسیده‌ای بود که نه تنها جامعه از او به شدت متنفر بود و در مقابل او و حکومتش انقلاب عظیمی شروع شد؛ بلکه در میان بالایی‌ها نیز موقعیتش کاملاً شکننده بود. عروج پزشک‌های از طریق مهندسی انتخابات برای حکومت هم ضرورت داشت و هم مطلوبیت. رژیم مدت‌هاست از این ستون به آن ستون زندگی می‌کند و به چنین مانورهای کوتاه‌مدتی نیاز دارد تا وقت بخرد شاید اتفاقاتی برای تداوم حیاتش ایجاد شود.

حزب دمکرات که در چهار دهه گذشته یک بعد استراتژی‌اش مذاکره با حکومت و دلخوش کردن به مانورهای حکومتی بوده و در دو مرحله رهبرانش قربانی همین توهمات شده‌اند، این بار هم به مانور خامنه‌ای لبیک گفته است. انقلاب زن زندگی آزادی و به‌ویژه قدرت انقلاب و رادیکالیسم انقلاب در کردستان که یکی از سنگ‌های مهم انقلاب بود برای دوره کوتاهی حزب دمکرات را از مسیر مذاکره و سازش دور کرد؛ اما انتخاب پزشک‌های این فرجه را برای آن فراهم کرد که به همان سیاست، استراتژی و تاکتیک قبلی‌اش برگردد. پزشک‌های کوچک‌ترین وعده‌های نداده است. این را خالد عزیزی هم می‌داند. این نیاز حزب دمکرات بود که این



## اطلاعیه در مورد انتخابات ارگان‌های حزبی به دنبال کنگره سیزدهم

سیزدهم حزب افراد زیر را به‌عنوان مشاورین کمیته مرکزی انتخاب کرد: پروین آزاد، ژینو ابراهیمی، غلام اکبری، حمید رحیم‌پور، امیر زاهدی، جمال صابری، نازنین صدیقی، ابوذر صلح‌جو، شمه صلواتی، هزار علی‌پور، اندیشه علی‌شاهی، محمد کریمی، جمال گل‌حسینی، مهران محبوبی، اسماعیل مردوخ، سیامک مکی، کاوش مهران، فاضل نادری، آزاده نجات، ستار نوری‌زاد.

با تبریک و آرزوی موفقیت برای همه رفقای انتخاب شده.

حمید تقوایی

۲۲ تیر ۱۴۰۳، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۴

۱- انتخاب رئیس دفتر سیاسی: دفتر سیاسی منتخب پلنوم ۵۸ کمیته مرکزی در اولین نشست خود صالحی را به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب کرد.

۲- انتخاب هیئت اجرایی: با رأی دفتر سیاسی منتخب پلنوم ۵۸ افراد زیر به‌عنوان هیئت اجرایی حزب انتخاب شدند:

کیان آذر، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، مصطفی صابر، اصغر کریمی و کاظم نیکخواه.

اصغر کریمی از جانب هیئت اجرایی به ریاست این هیئت انتخاب شد.

۳- انتخاب مشاورین کمیته مرکزی: کمیته مرکزی منتخب کنگره

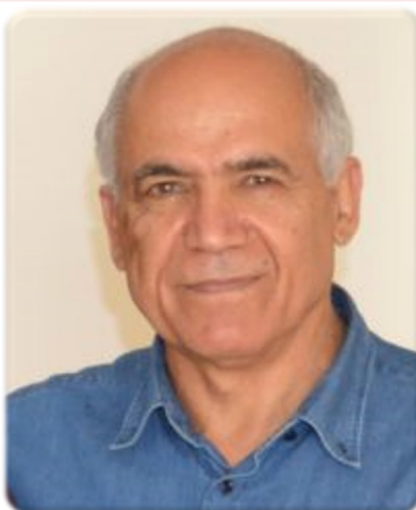
## اسامی اعضای هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران



فاتح بهرامی



سیما بهاری



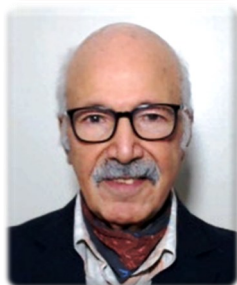
اصغر کریمی  
رئیس هیئت اجرایی



سیامک بهاری



کیان آذر



کاظم نیکخواه



مصطفی صابر



شهلا دانشفر



کیوان جاوید



## پیروزی غیرمنتظره چپ در فرانسه گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه "گفتگو" در کانال جدید

کامل به دست نیامد این الزامی است که انتخابات وارد مرحله دوم بشود و در مرحله دوم دو جریانی که بیشترین رأی را آورده‌اند، به اضافه یک جریان که حداقل ۱۲/۵ درصد آرا را آورده شرکت می‌کنند و بقیه حذف می‌شوند. یعنی مرحله اول تنها در صورتی اعتبار دارد که یک جریان اکثریت قاطع را به دست آورد. وگرنه مرحله بعدی تعیین‌کننده است و آرای مرحله اول نقشی در تعیین اوضاع ندارد. در این رابطه کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها و کلاً "جبهه مردمی جدید" به پیروزی رسید.

در واقع اگر بخواهیم تحلیلی‌تر نگاه کنیم مسئله این بود که در فاز اول بخش زیادی از مردم خودشان را از انتخابات کنار کشیدند. اما وقتی که خطر فاشیسم و نازیسم را دیدند، به میدان آمدند. یعنی آن قشر موسوم به "قشر خاکستری" فعال شد و اکثراً به چپ رأی دادند و یک اتفاق تاریخی مهمی را رقم زدند.

**سیما بهاری:** علی‌رغم نکاتی که شما مطرح کردید و الان در فرانسه الان چپ‌ها اکثریت را دارند و به سمت قدرت کشیده شدند، اما علی‌رغم این در کل اروپا، نه فقط در فرانسه، ما می‌بینیم که جریان‌ها راست رشد کرده‌اند خودشان را بیشتر به قدرت نزدیک کرده‌اند، در کشورهای مختلف ما با این صحنه روبرو هستیم. علی‌رغم اینکه یک تاریخ خونین هیتلری، تاریخ فاشیسم، کوره‌های آدم‌سوزی، فاشیسم در اروپا را تجربه کرده‌ایم و مطرح شده و فجایع عظیمی را رقم زده است و مردم از آن خبر دارند، ولی باز این اتفاق را شاهد هستیم. به نظر شما چرا این گونه است؟ چرا راست‌ها و فاشیست‌ها در کشورهای مختلف رشد کرده‌اند؟

**کاظم نیکخواه:** این یک واقعیتی است که به درجات مختلف متأسفانه در کشورهای مختلف چنین چیزی را شاهد هستیم. یعنی رشد هشداردهنده جریان‌ها راست را شاهد هستیم. دلیلش به طور خلاصه این است که مردم از سیستم حاکم زده شده‌اند و آلترناتیو قابل قبول خودشان، آلترناتیوی که پاسخ خواسته‌هایشان را بدهد را ندارند. جواب مردم را چپ می‌بایست می‌داد. اما چپ اروپا متأسفانه از اواسط قرن پیش به‌خاطر جنایاتی که آمریکا در کشورهای مختلف انجام داد، منظورم کودتاها و توطئه‌ها و سرکوب‌ها و ترورها و فجایع متعددی که سازمان سیا در دنیا علیه نیروهای مردمی سازمان داد، مثل کودتای شیلی در سال ۱۹۷۳، کشتار وسیع کمونیست‌ها در اندونزی در سال ۱۹۶۷، کودتا در ایران در سال ۳۲ علیه دولت مصدق، و

**سیما بهاری:** روز هفتم ژوئیه (۱۷ تیر) یک تحول مهم در فضای سیاسی فرانسه صورت گرفت و همه را شگفت‌زده کرد. انتخابات مجمع ملی فرانسه یا همان پارلمان در این روز برگزار شد و در حالی که همه مفسرین و خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها، پیروزی حزب فوق دست راستی اجتماع ملی به رهبر مارین لوپن را به‌طور جدی پیش‌بینی می‌کردند، هنگام شب که اولین نتایج انتخابات بیرون آمد، نشان داد که این راست‌ها نبودند که اول شدند. بلکه جبهه کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها یعنی چپ برنده این انتخابات بود. سؤالات زیادی را در این رابطه می‌شود مطرح کرد: چه شد که چپ یک‌مرتبه این چنین جلو آمد؟ چه شد که راست‌ها و فاشیست‌ها خودشان را به قدرت نزدیک دیدند و خطر جدی ای در اوضاع سیاسی ایجاد کردند؟ چه شرایطی این اوضاع را رقم می‌زند؟ با کاظم نیکخواه در این رابطه گفتگو می‌کنیم.

کاظم نیکخواه اجازه دهید از پیروزی چپ‌ها شروع کنیم. از نظر شما چه شد که جریان‌ها فاشیستی عقب رانده شدند و چپ جلو آمد؟

**کاظم نیکخواه:** بله این یک تحول بسیار مهم و تاریخی بود که در فرانسه صورت گرفت. به طور واقعی خطر جدی ای در مقابل جامعه وجود داشت. مرحله اول انتخابات فرانسه این خطر را به‌طور جدی جلو آورده بود که احزاب فاشیستی و نازیستی و فوق دست راستی ممکن بود به قدرت برسند و این می‌توانست عواقب بسیار خطرناکی در کل اروپا و دنیا داشته باشد. در نتیجه فوراً یک جبهه ائتلافی از چپ‌ها، از احزاب کمونیست، سوسیالیست، طرفداران محیط‌زیست، و طیف مختلفی در این راستا، دور هم جمع شدند و "جبهه مردمی جدید" را تشکیل دادند و در انتخابات علی‌رغم اینکه همه صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کردند که در این انتخابات جبهه فاشیست‌ها پیروز خواهد شد، این جبهه چپ و ضد فاشیست که تازه تشکیل شده بود، بالاترین رأی را آورد و به پیروزی محکم و پر سروصدایی رسید. در ردیف دوم حزب مکرون یا جبهه متعلق به مکرون به اسم "با هم" بود، و جریان‌ها دست راستی سوم شدند. این را هم بگویم که در واقع بخش زیادی از آرای حزب مکرون هم از چپ‌ها بود. چرا که آنها تصمیم گرفتند که هرچا که سه‌کاندید با هم رقابت می‌کنند، برای تضمین شکست فاشیست‌ها، کاندید خود را به نفع جبهه مکرون کنار بکشند. حزب مکرون اما حاضر نشد چنین سیاستی را در پیش بگیرد.

کلاً انتخابات فرانسه قوانین ویژه‌ای دارد. اگر در مرحله اول کسی اکثریت



## پیروزی غیرمنتظره چپ در فرانسه

از صفحه ۱۰

دنبال فاشیست‌ها کشیده می‌شوند و به این دلیل اینها رشد آماری جدی ای را در آلمان، در فرانسه، در ایتالیا، فنلاند، در سوئد و غیره تجربه می‌کنند و این روی انتخابات‌ها و قدرت‌گیری اینها تأثیر می‌گذارد.

به طور خلاصه این خلأ چپ باعث می‌شود که اینها جلو بیایند. مشکل چپ، چپی که ما آن را از ابتدا بسیار نقد کرده‌ایم همین است. روشن است که ما خود را چپ می‌دانیم. کمونیست می‌دانیم. ولی از همان سال ۵۷ این چپ "ضدامپریالیست" کوتاه‌نگر که ضد سرمایه‌داری همه‌جانبه و انسان‌گرایی کمونیستی را قربانی ضد آمریکائی‌گری کرده نقد کردیم و کنار گذاشتیم. ولی در دنیا متأسفانه هنوز این گونه موضع‌گیری می‌کند و در نتیجه راست فاشیست این خلأ را با توسل به ناسیونالیسم و شونینیسیم متعصب و غیره و غیره پر کرده است.

سیما بهاری: در صحبت‌هایتان به نکاتی اشاره کردید که جا دارد بیشتر به آن بپردازیم. از جمله نقش خود دولت مکرون. به این موضوع بر می‌گردم. اما راجع به کمبودها و معضلاتی که چپ با آن روبرو است اشاره کردید. حالا سؤال این است که آیا پیروزی چپ در فرانسه می‌تواند دریچه‌امیدی را باز کند که بگوییم چپ دارد دور جدیدی از حیاتش را در اروپا آغاز کند؟ یا کلاً فکر می‌کنید پیروزی چپ در فرانسه می‌تواند در کل اروپا تأثیرگذار باشد؟

کازم نیکخواه: حتماً تأثیر دارد. به نظر من در کوتاه‌مدت توجه و تلقی مثبت به کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها را بیشتر می‌کند. اما اینکه چقدر تحولی عمیقی و ماندگار ایجاد بشود را من خیلی امیدوار نیستم. بهتر است

بگوییم از نظر من پنجاه‌پنجاه است. اگر این ائتلاف چپی که در فرانسه شکل گرفته و الان دارد به قدرت می‌رسد و این فضا و فرصت تاریخی را به دست آورده، متوجه کمبودهایش بشود و در جهت‌گیری‌هایش تغییری اساسی ایجاد کند، قطعاً مثبت است. الان یک سری برنامه‌های رفاهی و سیاسی‌ای را اعلام کرده‌اند که بعداً می‌شود در مورد آنها بیشتر صحبت

کرد. اگر متوجه بشود که نمی‌تواند با ممانشات یا همراهی یا سکوت در برابر جریان‌های مذهبی جلو برود، اگر متوجه باشد که رفاه و آزادی و زندگی مردم را باید در صدر سیاست‌هایش قرار دهد، و انسان‌گرایی و اومانیسم را باید در صدر سیاست‌هایش قرار دهد، اگر اینها را متوجه شود ممکن است تحولی جدی ایجاد شود. اما بالاخره الان در این مجموعه جریان‌هایی که در جبهه برنده قرار دارند، جریان‌های متفاوتی حضور دارند که با هم اختلاف و مشکل دارند. از فرانسوا اولاند که قبلاً رئیس‌جمهور بود، تا ملانشون که رهبر حزب کمونیست فرانسه است، تا جریان‌های محیط زیستی و جریان‌های میانه. همه اینها در این مجموعه حضور دارند و نمی‌شود دقیقاً پیش‌بینی کرد که چگونه با هم کار می‌کنند و پیش خواهند رفت. مسیر سختی را باید طی کنند. چون که اوضاع و شرایط اقتصادی و سیاسی جواب‌های جدی‌ای می‌خواهد و یک حزب واحدی در رأس نیست. ولی امیدوارم که رهبران این جریان‌ها متوجه بشوند و جهت‌گیری را که ما آن را بارها بحث کرده‌ایم، گفته‌ایم، نمایندگان کرده‌ایم، و به اسم کمونیسم کارگری آن را می‌شناسیم، به درجه‌ای به این نزدیک شوند. این می‌تواند در شرایطی که مردم به طور اضطراری رفاه می‌خواهند، مقابله با اسلام سیاسی را می‌خواهند، زندگی انسانی می‌خواهند، اینها جواب جدی می‌طلبد که باید دید که در آینده اینها چقدر از پس آن بر می‌آیند.

**سیما بهاری:** اما برگردیم به سیاست‌های مکرون. در دوره ریاست او سطح زندگی مردم پایین‌تر کشیده شده، رفاه کمتر شده، جوان‌ها بیکارترند، سن

جاهای مختلف، به دلیل همه اینها و بسیاری توطئه‌های دیگر، فضای ضد آمریکائی در سطح دنیا بسیار وسیع شد و در نتیجه چپ اروپا و کلاً چپ دنیا کاملاً به موضع ضد آمریکائی گری غلطید. یا بهتر است بگوییم ضد آمریکائی‌گری یا ضد امپریالیسم بر دیگر موضع و سیاست‌هایش غالب شد و خصوصیات و سیاست‌های اصلی کمونیستی، یعنی خصمیت ضد سرمایه‌داری، انسان‌دوستی، دفاع از رفاه عمومی، امنیت اجتماعی، برابری طلبی، ضدیت با ارتجاع مذهبی، ضدیت با ناسیونالیسم، آزادی‌خواهی که خصوصیات اصلی چپ باید باشد، حاشیه‌ای شد. در خیلی جاها کلاً کنار رفت. چپ اروپا یا بهتر است بگوییم نحله غالب چپ اروپا به سمت یک نوع ناسیونالیسم ضد آمریکائی در غلطید.

خب. موقعی که این اتفاق افتاد خلأی به وجود آمد. آن‌هم در شرایطی که به‌ویژه با روی کار آمدن جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی، تروریسم اسلامی در سطح دنیا بیداد می‌کرد، جنایات فجیعی را در همین ده بیست سال گذشته انجام داده بود، و مردم پاسخ می‌خواستند، چپ نه فقط علیه آنها کاری نکرد؛ بلکه اکثر اکثران اسلامی‌ها ایستاد. مثل توده‌های ایران یا اکثریتی‌ها در سال‌های اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی. در کنار اینها بحران اقتصادی جدی‌ای در سال ۲۰۰۸ روی داد. دولت‌ها

بیش‌ازپیش شروع به تحمیل سیاست‌های ریاضت اقتصادی کردند. سیاست‌های کاهش تأمینات اجتماعی، زدن از رفاه، بیمه‌های درمانی و بیمه بیکاری و فریز کردن دستمزدها و امثال اینها گسترش یافت و فشارهای معیشتی سنگینی روی اکثریت مردم از نظر اقتصادی وارد آمد. آن‌هم در شرایطی که یک اقلیت کوچکی ثروت‌های نجومی به جیب می‌زد و هنوز هم می‌زند. دولت مکرون به‌ویژه در پیش‌برد چنین

سیاست‌هایی بسیار پیش رفت. اینها مردم را از دستگاه حاکم وسیعاً ناراضی وزده کرد. کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و اکثریت مردم در برابر این اوضاع پاسخ می‌خواستند. اما چپ که درست موقعی بود که می‌بایست جلو می‌آمد و به این تعرضات پاسخ می‌داد و آلترناتیو و برنامه روشن به جامعه ارائه می‌داد و علیه سرمایه‌داری، علیه دولت‌ها و سرمایه‌داران بزرگ، علیه تعرض به زندگی مردم، علیه ارتجاع مذهبی، علیه تروریسم اسلامی و علیه جمهوری اسلامی در دنیا ظاهر می‌شد، در کانون سیاست ضد آمریکائی‌گری یک‌جانبه، درجا زد و به جمهوری اسلامی و جریان‌های اسلامی چسبید. در نتیجه یک خلأ ایجاد می‌شود و این خلأ را جریان‌های فاشیست پر می‌کنند. چطور؟ برای مثال با حمله به پناهندگانی که به‌ناچار فوج‌فوج از کشورهای آفریقایی و آسیایی از دیکتاتوری‌ها فرار می‌کنند و به اروپا می‌آیند. خیلی‌هایشان هم از کشورهای اسلام زده می‌آیند. جریان‌های فاشیست و نژادپرست، تروریسم اسلامی و اسلامی سیاسی را به این پناهندگان وصل می‌کنند. همه مشکلات را به گردن این پناهندگان و "خارجیان" می‌اندازند و بخش‌هایی از مردم را به سمت خود می‌کشاند. توضیح همه جوانب مسئله به‌هر حال مفصل است. می‌خواهم بگویم که این بخش مهمی از مسئله است.

در کل جریان‌های دست راستی و فوق دست راستی با یک نوع پوپولیسم یا خلق‌گرایی عقب‌مانده، خود را مدافع مردم در برابر دستگاه حاکم قلمداد می‌کنند. در نتیجه طیف کم سیاسی‌تر و مستأصل‌تر مردم خیلی جاها به



## پیروزی غیرمنتظره چپ در فرانسه

از صفحه ۱۱

بازنشستگی بالاتر رفت، خلاصه زمینه‌های تشدید نارضایتی را بیشتر کرد. یک مقداری بیشتر در این مورد صحبت کنید که تأثیر این وضعیت در رشد راسیسم و فاشیسم چیست؟ یک مقداری توضیح دادید اما شاید بهتر باشد بیشتر به آن بپردازیم.

**کاظم نیکخواه:** بله کلاً روی کار آمدن مکرون معلول شرایطی بود که اشاره کردم. یعنی شرایط اقتصادی و اجتماعی که قبل از آن وجود داشت باعث شد که مکرون توسط جریان‌ها و نیروهای بورژوازی مختلف سر کار کشیده شد، مردم هم یک جورهایی امید داشتند که اینها بیایند و وضع زندگی مردم را بعد از سال‌ها بحران اقتصادی که از ۲۰۰۸ شروع شده بود، بهتر کنند. اما مکرون برای بهبود نیامده بود. در چند سال گذشته مدام سیاست ریاضت اقتصادی را به مردم تحمیل کرد، سن بازنشستگی را افزایش داد که جنبش وسیع و طولانی مدت اعتراضات مردمی را تحت عنوان جنبش جلیقه زردها در این یکی دو سال گذشته شاهد بودیم که صدها هزار نفر بیرون می‌آمدند و تظاهرات می‌کردند هنوز هم یک جورهایی ادامه دارد و الان اولین سیاستی که همین جبهه چپ اعلام کرده این است که سیاست مکرون برای افزایش سن بازنشستگی را ملغی می‌کند. به‌هرحال سیاست‌های مکرون روی زندگی مردم بسیار تأثیر منفی داشت. در عین حال رابطه ناروشنش با جریان‌ها اسلامی و دولت‌های اسلام‌گرا و عدم قاطعیت در برابر آنها باعث شد که مردم زده بشوند، از مکرون و حزیب و سیاست‌هایش و به‌هرحال به سمت مخالفت با کل سیستم حاکم بروند. همانطور که گفتیم در خلایق که وجود داشت، جریان‌ها فاشیست و راسیست و نژادپرست استفاده کردند و جلو آمدند. مکرون الان در فرانسه بسیار محبوب است. می‌شود گفت مورد نفرت بخش زیادی از مردم فرانسه است. در اروپا البته محبوب‌تر است به دلایل مختلفی. به‌هرحال بستگی دارد اوضاع به کدام سمت برود. اما کلاً مکرون به دلیل همین سیاست‌هایی که بیشترین فشار را بر زندگی کارگران و اقشار کارکن جامعه وارد کرده است مورد اعتراض و انتقاد وسیع مردم است.

**سیما بهاری:** خب بپردازیم به وعده‌هایی که این ائتلاف چپ می‌دهد. از جمله پایین آوردن سن بازنشستگی. یک سری وعده‌های دیگر هم داده است. چقدر می‌شود به وعده‌ها و فرم‌هایی که اینها داده‌اند؟

**کاظم نیکخواه:** این امیدبخش‌ترین جنبه از سیاست آنهاست. برنامه فوری که اعلام کرده‌اند افزایش دستمزدها، افزایش حقوق بازنشستگی، لغو سیاست مکرون در زمینه افزایش سن بازنشستگی، یک سری سیاست‌هایی به نفع برخورد به پناهندگان، و بندهای دیگر در جهت بهبود شرایط زندگی مردم را اینها اعلام کرده‌اند. من فکر می‌کنم اینها را به درجه‌ای می‌توانند اجرا کنند به شرطی که منبع تأمین مالی این سیاست‌ها را روشن کنند. اینها می‌گویند ما مالیات‌ها بر ثروتمندان و شرکت‌ها را افزایش می‌دهیم، مالیات‌برارث را افزایش می‌دهیم، و چارچوبه‌هایی را برای تأمین مالی سیاست‌هایشان اعلام کرده‌اند که عملی به نظر می‌رسد. در نتیجه می‌شود امیدوار بود که فضای اقتصادی جامعه به درجه‌ای عوض شود. از نظر سیاسی همان مشکل جدی‌ای را که گفتیم دارند. یعنی یک نوع مماشات با اسلامی‌ها. گرچه یکی از بندهایی که در برنامه‌شان اعلام کرده‌اند این است که نتانیاهو و سران حماس باید در سطح بین‌المللی محاکمه شوند و این موضع مثبتی است. اما معمولاً این جریان‌ها با مقابله با جریان‌ها اسلامی و جمهوری اسلامی و اینها مشکل دارند و اکثریت مردم درست برعکس به شدت با اسلامی‌ها و جمهوری اسلامی مخالف‌اند. باید دید که در عمل چگونه پیش می‌رود. به‌هرحال من امیدوارم که جبهه چپ بتواند در یک موضع رادیکال و چپی واقعاً بایستد و بر این اساس عمل کند. چون وقتی ما از کمونیسم و سوسیالیسم صحبت می‌کنیم، اساس آن بر انسان‌گرایی قرار دارد. اساس آن آزادی است. برابری است. اساس آن بر ضدیت با سرمایه‌داری و ارتجاع مذهبی است. اینها را چپ اروپا همانطور

که گفتیم تا حد زیادی کنار گذاشته است. اگر این جهت‌گیری را جلو بیاورد، یعنی فضایی که اینها در آن جلو آمده‌اند تأثیر بگذارد که به این سیاست‌های پایه‌ای برگردند، جامعه چنین انتظاراتی از آنها دارد. دیگر الان اپوزیسیون نیستند، به موضع پوزیسیون آمده‌اند و ناچارند به خواست‌ها و تمایلات مردم پاسخ بدهند که اساساً همین‌هاست که گفتیم، آن وقت می‌تواند تحولی در فضای فرانسه و همین‌طور در اروپا صورت بگیرد. کشورهای مختلف اروپا کمابیش همین وضعیت فرانسه را دارند. مثلاً ایتالیا همین‌طور است، فنلاند همین‌طور است، یک سری کشورهای اروپای شرقی در همین وضعیت هستند. اینجا مردم جواب می‌خواهند. آن چیزهایی که چپ نمایندگی می‌کند خواست‌های قلبی مردم است. اگر بتوانند این را جواب دهند. یعنی به درجه‌ای به پایه‌های انسانی و آزادی‌خواهانه کمونیسم رجوع کنند، می‌تواند تحولی مهمی صورت گیرد. الان می‌شود ابراز امیدواری کرد که این اتفاق بیفتد.

به‌هرحال تا همین‌جا اینکه جریان فاشیستی و ضدانسانی کنار زده شد، و در واقع یک شکستی را متحمل شد، آمده بودند قدرت را بگیرند و ناکام ماندند، این در هر حال یک پیروزی فراموش‌نشده است. مستقل از اینکه هر اتفاقی در آینده بیفتد این روزها یک نقطه عطفی در اروپا طی شد که توجه دنیا را به خودش جلب کرد و من امیدوارم که در ادامه هم اوضاع به همین خوبی پیش برود.

**سیما بهاری:** خیلی متشکرم کاظم نیکخواه

## چه خرافات مذهبی و چه مقدسات

ناسیونالیستی ربطی به خواست‌های مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تأکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تأکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی میکنند.

(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷

و مساله سه جزیره)



## خامنه‌ای و مهندسی دولت پزشکیان هم‌زمان با تشدید اختلافات حکومتی



محمد شکوهی

مضحکه انتخابات حکومت با بیرون کشیدن پزشکیان از صندوق رأی توسط خامنه‌ای تمام شد. خامنه‌ای و سپاه که نگران اوضاع بودند، ابراز رضایت کردند که اوضاع نظام خراب‌تر از آنی که بود، نشد و توانستند این مضحکه را مهندسی بکنند. در این مضحکه اکثریت مردم نه بزرگی به کل نظام دادند که پس‌لرزه‌هایش برای نظام هر روز بیشتر و آشکارتر می‌شود. تشدید اختلافات و تعمیق شکاف‌ها در رأس نظام، کل حکومت و خامنه‌ای را با چالش بزرگی روبرو کرده است. خامنه‌ای، پزشکیان و کل عناصر بانفوذ حکومت می‌دانند که کار سختی در پیش دارند. آن اکثریت سرنگونی‌خواه که بازی مضحکه را برهم زدند، آن درصد ناچیز هم که با هر محاسبه‌ای رأی دادند، نقشه‌های خامنه‌ای را برهم زده و شکست سنگینی را به وی تحمیل کردند. رأی‌دهندگان در مقابل عناصری چون قالیباف و جلیلی که در دایره سرداران سپاه هستند، به پزشکیان رأی دادند. معنای این رأی هم در نهایت مخالفت رأی‌دهندگان با نمایندگان هسته اصلی و سخت حکومت، اصول‌گرایان و سپاهی‌ها بود که اردوگاه اینها را در هر ریخته‌تر و بی‌افق‌تر از هر زمانی کرده است.

بعد از این مضحکه، جنگ و دعوای هواداران خامنه‌ای، سپاه و بیت رهبری در این جبهه شعله‌ورتر و کشنده‌تر از هر زمانی شده است. مدیریت این وضعیت و عبور دادن کم‌هزینه هسته سخت و اصلی مدافع سیاست‌های خامنه‌ای، در دستور فوری خامنه‌ای برای نجات رژیم از این موقعیت شکننده قرار دارد. اینکه خامنه‌ای و سپاه موفق خواهند شد امید را به این جبهه بازگردانند و دوباره سرو سامانشان داده و حول خامنه‌ای و سیاست‌هایش جمع نمایند، کار هرکولی برای بیت رهبری و بسیار سخت و بخشاً غیرممکن خواهد بود. اعتبار خامنه‌ای و بیت رهبری مدت‌هاست که در میان عناصر و باندهای حکومتی زیر سؤال رفته است.

در طرف دیگر جریان در هر ریخته اصول‌گرایی، جبهه اصلاح‌طلبان حکومتی و عناصر میانه‌رو نظام قرار دارند. اینها هم مدعی پیروزی بوده و طرح و نقشه‌هایی برای بازگشت دوباره به آغوش نظام دارند که امیدوارند با پزشکیان شانس و اقبالشان را یک‌بار دیگر امتحان بکنند. کل ناراضیان حکومتی در این جبهه و چهره‌های شاخص میانه‌رو و بخشاً اصول‌گرایان زاویه‌دار با بیت رهبری باورشان شده که این آخرین شانس نه فقط برای این جماعت، بلکه برای نجات کل نظام از خطر سرنگونی توسط مردم است؛ لذا برای "نجات جمهوری اسلامی" از خطر انقلاب در کمین مردم، به تک‌وتا افتاده و مدام اعلام‌خطر کرده و وارد جدال‌های اساسی و سرنوشت‌ساز بر سر ماندن و نماندن کل نظام شده‌اند. مدیریت این پروسه، جلو راندن عناصر شاخص و شمشیرزن نظام نکبت در هر دو جبهه اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان و میانه‌روها را استراتژی خود قرار داده و دارند برایش کار می‌کنند. یک هدف این جبهه درهم‌ریخته حکومتی، جلب رضایت و حمایت خامنه‌ای و سپاه از پزشکیان و دولت‌ش است که در حال انجام است. پزشکیان مورد تأیید خامنه‌ای و مدافع سیاست‌های خامنه‌ای در عرضه داخلی و خارجی است که هر کجا ظاهر شده و حرفی زده، تأکیداتش را روی همین سیاست‌های خامنه‌ای گذاشته است.

موضوع آرایش کابینه پزشکیان، سهم‌خواهی باندهای حکومتی، تلاش

خامنه‌ای برای مهندسی این پروژه حکومتی با کمترین لطمات و صدمات برای کل نظام، در دستور فوری خامنه‌ای قرار دارد.

سهم و میزان نفوذ عناصر باندهای حکومتی و نحوه حضورشان در دولت جدید، این روزها اصلی‌ترین مشغله کل نظام و باندهایش در کنار نحوه و نوع مقابله‌شان با خطر و تهدید مردم معترض بر علیه کل نظام است. بعد از انتخابات حکومت، مهندسی کابینه دولت جدید و سهم‌خواهی باندهای حکومتی از پست و مقام گرفته تا تقویت موقعیتشان نزد خامنه‌ای و سپاه و هرم قدرت وارد مرحله جدیدی شده است.

نگاهی به اظهارنظرها و مواضع چهره‌های شاخص هر دو باند حکومتی نشان می‌دهد که تمایل و اجماع برای گزینش پست‌های دولتی از هر دو باند حکومت در دولت جدید در حال شکل‌گیری است. خامنه‌ای هم در وضعیتی که در آن گرفتار شده، ابراز تمایل کرده که در ازای نظر مثبتش به پزشکیان، انتظار دادن پست‌های وزارت به عناصری از باندهای حول بیت رهبری و سپاه را دارد. انتظاری که البته پزشکیان هم تمایل دارد و بارها گفته که دولت وی دولت همه باندها خواهد بود.

چیدمان کابینه جدید یک پرده دیگر شعله‌ور شدن کشمکش‌ها و اختلافات باندهای حکومتی در حساس‌ترین دوره حیات رژیم است. سهم‌خواهی و شریک کردن همه باندها در این پروسه یک سیاست مورد توافق همه این باندها از جمله خامنه‌ای نیز هست. دولتی متشکل از همه گرایش‌های درون نظام نه فقط خواست و تمایل کل باندها، بلکه یک خواست خامنه‌ای هم می‌باشد؛ لذا دولت پزشکیان، دولت کل حامیان نظام و خامنه‌ای از همه گرایش‌های حکومتی خواهد بود. اصلاح‌طلبان و امیدشان برای در دست گرفتن سکان اجرایی دولت توسط این باندها از فردای سخنرانی پزشکیان و اظهارات و تفاسیر چهره‌های شاخص هر دو باند دود شده و هوارفت. تقسیم و دست‌به‌دست شدن قدرت دولتی در جمهوری اسلامی که سنتاً بین دو جناح رژیم صورت می‌گرفت، بعد از اعتراضات دهه نود و به‌ویژه سال ۱۴۰۱ و در نتیجه ضربات اعتراضات سرنگونی‌خواهانه مردم به کل نظام، کارایی‌اش را از دست داده است. این را خود خامنه‌ای و باندهایش می‌دانند. در نتیجه تمایل عمومی‌شان تشکیل "دولت فراجناحی" برای نجات حکومت و از جمله دولت آتی در این دوره بحرانی شده است.

دولت پزشکیان با هر ترکیب و با هر درجه دوری و نزدیکی چهره‌هایش با بیت رهبری و سیاست‌های اعلام شده کلی نظام توسط خامنه‌ای، دولتی خواهد بود که اولین وظیفه‌اش تلاش برای ایجاد اتحاد و انسجام در ترکیب کابینه برای مقابله با مردم ناراضی است. سؤال این است که این دولت تا کجا و چقدر خواهد توانست نگرانی‌های خامنه‌ای درباره وضعیت رژیم را برطرف و امید و افق در صفوف کل نظام را دوباره حداقل به دوره رئیس‌ی. برگرداند. امری که خودشان هم می‌دانند بسیار سخت و تقریباً نشدنی است. بعد از پایان انتخابات حکومت، کل نظام باید مجدداً در مقابل مردم و جنبش سرنگونی‌آرایی جدیدی به خود گرفته و خودش را سازمان بدهد. دولت پزشکیان چه نقشی در این پروسه خواهد داشت و تا کجا می‌تواند مخرج مشترک کل حامیان و مدافعان نظام در برابر تعرض مردم به حکومت را نمایندگی بکند، هنوز روشن نیست. کابینه پزشکیان در چنین

خامنه‌ای و مهندسی دولت پزشکیان هم‌زمان با تشدید اختلافات حکومتی  
از صفحه ۱۳

در بطن یک چنین وضعیتی مردم معترض هم قطعاً ساکت نخواهند نشست و فشار اعتراض و مبارزات مردم در این موقعیت شکننده‌ای که رژیم در آن قرار دارد، افزایش خواهد یافت. مردم پیروز واقعی میدان جنگ با حکومت تا همین حالا هستند. عدم شرکت اکثریت مردم در مضحکه انتخابات حکومت نشان داد که فضا و جو سرنگونی بزرگ‌ترین نیروی اجتماعی در جامعه ایران است که یک خطر واقعی برای کلیت نظام است. خامنه‌ای، سپاه، دولت پزشکیان و در یک کلام نظام در ترس و وحشت از به میدان آمدن جنبش قدرتمند سرنگونی خواهی خواب آرام ندارند. به‌ویژه اینکه قدرت اجتماعی این جنبش را در سال ۱۴۰۱ دیده‌اند.

مهندسی این دوره خامنه‌ای، دولت پزشکیان و سپاه برای نجات رژیم از خطر سرنگونی توسط انقلاب آتی مردم، مهم‌ترین و اولین اولویت همه این‌هاست. جامعه ایران وارد دوره جدیدی از رویارویی مردم با حکومت می‌شود. حکومت شکننده‌تر و به‌شدت تضعیف شده و صفوفش درهم‌ریخته و بی‌افتر از هر زمانی زیر ضرب اعتراض و مبارزه مردم قرار خواهد گرفت. بازسازی قدرت سرکوب و جنایت برای دفاع از نظام کثیف در برابر تعرض مردم به کل نظام، بعد از تشکیل کابینه پزشکیان، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های رژیم خواهد بود. تمامی باندهای حکومتی بر سر این موضوع توافق دارند.

انفجارهای بزرگ در راه است. نبرد نهایی مردم با حکومت آدمکشان اسلامی سرمایه برای پایان دادن به بیش از چهار دهه کشتار، جنایت، بی‌تامینی، فقر و فلاکت و... در ماه‌های آتی وارد دوران سرنوشت‌سازی خواهد شد. دولت پزشکیان با بیت رهبری، سپاه و کل باندهای حکومت به‌شدت نگران هستند. در نتیجه ضرورت سازماندهی مبارزات سراسری، گسترده و سرنگونی طلبانه باید اولویت اول همه فعالین جنبش‌های جاری، تلاش برای ایجاد وسیع‌ترین اتحاد مبارزاتی میان مردم و فعالین جنبش سرنگونی طلبی باشد. صفوف دشمنان مردم دچار ترک و شکاف‌های بزرگی شده، اختلافات درونی حکومت اوج گرفته است. مردم و جنبش سرنگونی باید از این فرصت پیش آمده نهایت استفاده را کرده و کل جمهوری اسلامی، با دولت پزشکیان، خامنه‌ای و باندهای حکومتی را زیر ضرب اعتراضات گسترده خود بگیرند!

۱۲ جولای ۲۰۲۴

وضعیتی قرار است سکان دولت جمهوری اسلامی در این شرایط به‌شدت بحرانی را در دست بگیرد. ده‌ها معضل جدی و سؤال در مقابل این دولت و بخش‌ها بیت رهبری قرار دارد که پاسخ به آنها راحت و آسان نیست. از جمله:

نقش و جایگاه سپاه و بیت رهبری در این تغییر و تحولات و انتقال قدرت چگونه باید مهندسی شود؟ نقش سپاه چه می‌شود؟ آیا سپاه و دستگاه‌های امنیتی به‌راحتی و بدون دردسر حاضر به کنار آمدن با پزشکیان، البته با در نظر داشت توصیه‌های خامنه‌ای در حمایت از وی، خواهند شد؟ شکست خورگان این مضحکه حکومتی، جریان به‌شدت درهم‌ریخته و تضعیف شده اصول‌گرایان حکومتی چه بر سرشان خواهد آمد؟ "جلیلیون" و رادیکال‌هایشان تا چه حد به خامنه‌ای و توصیه‌هایش در حفظ "وحدت درونی نظام" عمل خواهند کرد؟ ادعای پیروزی اصلاح‌طلبان چقدر واقعی است و اینها چه نقش و سهمی در شکل دادن به روندهای آتی نظام، از جمله تشکیل کابینه جدید خواهند داشت؟ نقش و جایگاه اصلاح‌طلبان حکومتی در "پروژه نجات رژیم" از این وضعیت چه می‌تواند باشد؟ آیا اساساً اینها قادر خواهند بود برای رژیم یک مشروعیت حداقلی دست‌وپا کرده و صرف نظر از اختلافاتشان با اصول‌گرایان حاضر خواهند شد با همدیگر و برای نجات نظام از تعرض آتی انقلاب مردم، متحد شوند و به چه قیمتی؟ احتمال کودتای سپاه و سرداران ناراضی از این وضعیت و بیت رهبری در صورت شکست پروژه مهندسی خامنه‌ای در دوره حاضر چه جایگاهی در طرح و استراتژی نظام و به‌ویژه سپاه قرار دارد؟ موضوع انتخاب جانشین خامنه‌ای با مرگ رئیسی. و بعد انتخاب پزشکیان به چه مسیری خواهد رفت؟ چیدمان جدید آیت‌الله‌های عضو مجلس خبرگان رهبری، تلاش‌های خامنه‌ای برای یکدست کردن این مجلس به‌منظور تأیید کاندید جانشینی خامنه‌ای که با مرگ رئیسی در ابهام رفته است، چه خواهد شد؟ و بالاخره مهم‌تر از همه سؤالات بالا، حکومتی که تضعیف شده و به‌شدت صفوفش درهم‌ریخته شده با اکثریت مردم که یک نه بزرگ در این مضحکه به کل نظام دادند چگونه برخورد خواهد کرد؟ آیا قدرت سرکوب و پروژه خالص‌سازی درونی نظام و اینجا دولت که از دوره رئیسی. در دستور خامنه‌ای قرار دارد، پاسخی به بحران ساختاری و سیاسی رژیم می‌تواند بدهد یا نه؟

در مرحله بعدی، بعد از تشکیل دولت و کابینه پزشکیان است که تازه موضوع سیاست‌ها و وعده‌های کلی داده شده از طرف وی و با تأیید خامنه‌ای قرار است در دستور دولت قرار بگیرد. اظهارنظرهای پزشکیان در حمایت از تروریسم اسلامی، تأکید بر نابودی اسرائیل، حمایت از حزب‌الله لبنان، رژیم اسد و مقابله با آمریکا و... فعلاً موضوعات مهم حکومت هستند که پزشکیان و خامنه‌ای و سرداران سپاه بر سر آنها توافق حاصل کرده‌اند.

معضلات اقتصاد ورشکسته و زمین‌گیر شده، رکود، رشد منفی، بیکاری، عدم سرمایه‌گذاری خارجی، رابطه با غرب، بحران هسته‌ای و برجام، موضوع تحریم‌ها، وعده اجرای برنامه توسعه هفتم و... اینها چند قلم از معضلات حل‌ناشدنی است که از دولت رئیسی به دولت پزشکیان رسیده است و قرار است دولت وی راه‌حلی برای این معضلات حکومت ارائه بدهد که اینجا هم باید خامنه‌ای و بیت رهبری را همراه خود داشته باشد.

# اتحاد اتحاد

# علیه فقر و فساد

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran



## میان مردم و حکومت هیچ چیز تغییر نکرده است

مهران محبی

این مهره افسار زده شده همچنان که خامنه‌ای او را ملزم و موظف به پیروی مطلق از نظرات و دستورات خود کرده است، با ابراز مواضع خود در رابطه با امور داخلی و منطقه‌ای، ثابت کرده که هیچ تفاوتی با رؤسای جمهور پیشین حکومت اسلامی پایگاه و رأس تروریسم اسلامی و حکومت قتل و کشتار و جنایت و تباہ کننده زندگی مردم به طور عموم در منطقه و به طور اخص در ایران ندارد.

رئیس جمهور تازه از صندوق مارگری بیرون کشیده شده، همانطور که خامنه‌ای قبلاً در رابطه با انتخاب وزرای دولتی هشدار داده بود، جرئت و حق انتخاب مهره‌ها برای کابینه دولت را ندارد و آن‌طور که از اعلام شرکت نکردن افرادی مانند ظریف و آذری جهرمی از وزرای دولت روحانی در دولت پزشکیان با توجه اینکه "دولت جدید باید جوان‌گرا باشد" بر می‌آید و بعلاوه با توجه به گفته رمضان‌زاده مهره دیگر اصلاح طلب و سخنگوی دولت خاتمی که "پیرمردان باید دور پزشکیان را خالی کنند تا نسلی جدید از جوانان و زنان امید را در دل مردم زنده کنند"، مشهود است هشدارهای خامنه‌ای جدی هستند و باند اصلاح طلب در دولت به بازی گرفته نخواهد شد.

دولت پزشکیان طبق تذکرات و اخطارهای خامنه‌ای که در قالب "توصیه‌ها" داده می‌شوند، باید دولتی از نوع دولت رئیسی باشد و همه شواهد و قرائن از نحوه رفتارها و دیدارها با مقامات قضائی، امنیتی، انتظامی و حکومتی و همچنین تماس‌ها با رؤسای جمهوری مانند پوتین و بشار اسد و ارسال نامه‌ها به حسن نصرالله رئیس تروریست‌های حزب الله و اسماعیل هنیه رئیس حماس نشان از دولتی کاملاً فرمان‌بردار خامنه‌ای با ویژگی‌ها و قابلیت‌های سرکوبگرانه و وحشیانه و آماده خونریزی در میدان مقابله با مردم داخل و تأمین کننده امکانات مالی و نظامی برای تروریست‌های اسلامی و بند و بست‌های نظامی، امنیتی در قالب روابط اقتصادی با دولت‌هایی مانند روسیه و چین دارد.

دولت پزشکیان از نظر مضمونی و ساختاری و چینشی تفاوتی با دولت رئیسی نخواهد داشت. دولت رئیسی، دولت ولایت فقیه و دولت به اصطلاح یک دست باند اصول‌گرایان وابسته به خامنه‌ای بود. پزشکیان هم نمی‌تواند مهره‌ای متفاوت با رئیسی باشد و به اصطلاح دولتش هم نمی‌تواند ترکیبی مرکب از غیر از اصول‌گرایان داشته باشد. اما از نظر شرایط سیاسی و توازن قوای میان حکومت و جامعه امروز و مقایسه آن با سه سال پیش که رئیسی به ریاست جمهوری رسید، موقعیت پزشکیان بسیار ضعیف‌تر و شکننده‌تر خواهد بود.

ریاست جمهوری پزشکیان حتی مورد حمایت اقلیت قابل توجه وابستگان حکومتی نیست. امروز در دستگاه حاکمیتی چنددستگی‌های جدیدی شکل گرفته که در دوران انتخابات رئیسی موجود نبودند. همین حالا باند پایداری طرفدار جلیلی و نواصول‌گرایان طرفدار قالیباف با پزشکیان سر جنگ و ناسازگاری دارند چیزی که در دوران به ریاست جمهوری رسیدن رئیسی کمتر مشهود بود.

و مهم‌تر اینکه در طرف مقابل کل حکومت، مردمی با عزم جزم برای سرنگونی آن قرار گرفته‌اند که ادامه فشارشان بر حکومت را قبل از هر کسی بر پزشکیان وارد خواهند کرد. پزشکیان بی‌تردید درمانده‌تر از رؤسای جمهوری پیشین حکومت در برابر انقلاب خواهد بود و چه پزشکیان رئیس دولت باشد و چه هر جنایت کار دیگری، هر روز که بگذرد روند سرنگونی رژیم سریع‌تر خواهد شد.\*

مردم در هر دو دور انتخابات دروغین حکومتی برای تعیین جانشینی رئیسی قاتل که ادامه رأی به سرنگونی و مهم‌تر از آن به عمل در آوردن رأی خود در خیزش‌های ۹۶، ۹۸ و انقلاب "زن، زندگی، آزادی" بود، حکومت را با بایکوت عمومی با بحران عمیق‌تر سیاسی و مشروعیت حاکمیتی مواجه کردند. در این دوره مردم دعاها و قمه‌کشی‌های باندهای حکومتی بر سر جانشینی رئیسی را به خود قاتلان و دزدان واگذار کردند و با زدن توده‌نی‌های پی‌درپی به کلیت نظام اسلامی، گامی محکم برای ضعیف‌تر کردن، بی‌اعتبارتر کردن و نزدیک‌تر کردن رژیم به سرنگونی برداشتند.

جامعه در هیچ لحظه‌ای مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی را تعطیل نکرد. در ادامه مبارزات علیه حکومت و با شروع معرکه‌گیری‌های انتخاباتی، اعتراضات هفتگی بازنشستگان با شعار: "ما دیگه رأی نمی‌دهیم"، خواست سراسری بایکوت انتخابات حکومتی پی‌وقفه ادامه یافت. دیوارها پر از شعار علیه حکومت و انتخاباتش شد، زنان با قدرت تر پی‌حجابی را گسترش دادند و ده‌ها هزار کارگر پروژه‌های جنوب و مناطق دیگر در بیش از ۱۲۰ شرکت با ادامه اعتصاب بزرگ خود، بر فشار علیه رژیم و سنگین‌تر کردن فضای سیاسی علیه مضحکه و مخمصه انتخاباتی‌اش افزودند.

با اتمام معرکه‌گیری‌های انتخاباتی نیز و درست یک روز بعد از قدردانی پزشکیان از خامنه‌ای، فضای سیاسی علیه جمهوری اسلامی به خاطر صدور حکم اعدام شریفه محمدی به رنگ تنفر و انزجار و اعتراض عمیق‌تر و گسترده‌تری در آمد و مردم این گونه به تمامیت حکومت آدمکشان و بازی‌های عوام‌فریبانه باندهای جنایت‌کار اعم از اصول‌گرا و اصلاح طلب و غیره که علیه جامعه متحد شده‌اند، پاسخ دادند.

حکومت نیز در مقابل، همه باندهای جنایت‌کار خود را برای مقابله منسجم‌تر با مردم به میدان آورد و علی‌رغم قمه‌کشی‌هایی که در دوران معرکه‌گیری‌های انتخاباتی علیه یکدیگر به راه انداخته بودند، در کلیت در کنار یکدیگر و در برابر مردم سرنگونی طلب و انقلاب جاری قرار گرفتند.

خامنه‌ای با باور به اینکه آوانس دادن به جریان از قدرت رانده شده اصلاح طلب و ایجاد نوعی دوقطبی کذایی می‌تواند به نمایشات انتخاباتی رونق و اعتباری دهد و با عوام‌فریبی‌ها و وعده‌های دروغین نامزد به اصطلاح قطب مقابل اصول‌گرایان که بیش از همه مورد تنفر و انزجار جامعه است، از فشار اعتراضات مردم و خطر سرنگونی بکاهد، پزشکیان نامزد اصلاح طلبان را وارد میدان کرد و در پایان سیرک گردانی‌ها او را از صندوق (جعبه مارگری) بیرون کشید.

پزشکیان بر خلاف هارت‌وپورت کردن‌های دروغین باند بی‌اعتبار اصلاح طلبان در برابر باند اصول‌گرایان و وعده و وعیدهایی که برای تغییر می‌دادند، با افسارش در دست خامنه‌ای به زمین مسابقه وارد شده بود و چه در دوران تبلیغات انتخاباتی و چه بلافاصله بعد از درآورده شدنش از صندوق و همچنان که تا امروز ادامه داده و تا پایان دوره ریاست جمهوری‌اش (چنانچه عمر حکومت به پایان نرسد) ادامه خواهد داد، این افسار بر گردنش خواهد بود.

پزشکیان که قبل از انتصاب شدن از سرسپردگی‌اش به خامنه‌ای و ذوب‌شدگی‌اش در او و نداشتن هیچ برنامه‌ای غیر از اجرای فرامین او می‌گفت، بلافاصله بعد از انتصابش از خامنه‌ای قدردانی کرد و صراحتاً اعلام کرد که اگر خامنه‌ای نبود، نام او از صندوق بیرون کشیده نمی‌شد!

## اطلاعه‌های هفته اخیر

شعار " فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن " پیگیر مطالباتشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ تیر ۱۴۰۳، ۷ ژوئیه ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## ۱۸ تیر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر

امروز هجدهم تیرماه بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلف تجمع کردند. این تجمعات بنا بر آخرین گزارشات در شهرهای اصفهان، سنندج، تبریز، رشت، ارومیه، بیجار، هرمزگان، تهران، شهرکرد، همدان و خرم‌آباد برگزار شدند.

در سنندج بازنشستگان با فریاد "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن" پیگیر مطالباتشان شدند. در اصفهان بازنشستگان با شعارهای "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "ستاد اجرایی حق ماها را خورده"، "مخابرات رها شده، اسیر قلدرها شده" صدای اعتراض خود را به بساط چاپ‌لگری حاکم بلند کردند.

بازنشستگان مخابرات در روز گذشته نیز همراه با بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری و بهداشت و درمان تجمع داشتند. اعتراض بازنشستگان به فقر، فساد، بی‌تامینی، و بساط سرکوب و جنایت حکومت است و این خود را در شعارهای اعتراضی و بنرهای تجمعات آنها بازتاب می‌دهد. بازنشستگان مخابرات بعلاوه خواستار اجرایی شدن آیین‌نامه استخدامی ورفاهی ۱۳۸۹ است که می‌تواند بهبودی در سطح دریافتی‌های آنها ایجاد کند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبد معیشت سی میلیون، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت مطالبات فوری و سراسری بازنشستگان است. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند و از اعتراضات و خواست‌هایشان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ تیر ۱۴۰۳، ۸ ژوئیه ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## کارزار گسترده حمایت از شریفه محمدی، ادامه اعتصاب هزاران کارگر پروژهای در نفت و اخباری دیگر

اعتراض علیه حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است. تشکل‌های مختلف کارگری - اجتماعی در بیانیه مشترک و یا مستقل این حکم جنایت کارانه را محکوم کرده و بر آزادی فوری شریفه محمدی تأکید کرده‌اند. از جمله تاکنون شورای بازنشستگان ایران، اتحاد بازنشستگان، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، نهاد داخواهان، ندای زنان ایران، بیدارزنی، گروه اتحاد بازنشستگان، کانون نویسندگان ایران، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و نیز چهره‌هایی چون گوهر عشقی مادر دادخواه، علی نجاتی فعال کارگری و ریحانه انصاری نژاد از زندانیان سیاسی اعتراض شدید خود را نسبت به این حکم وحشیانه قرون وسطایی اعلام کرده و بر لغو فوری آن تأکید کرده‌اند و از کمپین دفاع از شریفه محمدی حمایت کرده‌اند. در همین

## تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در چندین شهر

شریفه محمدی آزادی باید گردد

امروز هفدهم تیرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای تهران، کرمانشاه، شوش و اهواز تجمع کردند. در این روز همچنین بازنشستگان فولاد نیز در شهرهای اصفهان، قائم‌شهر، دامغان و اهواز در اعتراض به فقر و فلاکت و بساط سرکوبگری‌های حکومت و برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند.

در شوش به روال معمول بازنشستگان از شهرهای شوش، کرخه و هفته تپه جمع شده و در گرمای سوزان بالای ۵۰ درجه به فقر، تبعیض، حقوق‌های ناچیز و بی‌تامینی‌ها و بساط اختلاس و دزدی و سرکوبگری‌های حکومت دست به تجمع و راهپیمایی زدند و با فریاد شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمع فریدون نیکوفر یکی از بازنشستگان سخنرانی کرد و ضمن اعلام اعتراض علیه حکم ظالمانه اعدام برای فعال کارگری شریفه محمدی بر آزادی فوری او و لغو این حکم شنیع، و بر حق تشکل برای همه مردم تأکید کرد. سخنان او با کف‌زدن جمعیت مورد تأیید قرار گرفت. در این تجمع بازنشستگان شعار می‌دادند: "توبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "تامینو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "کشوری، لشکر، تأمین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، و "روسری رارها کن، فکری به حال ما کن".

در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی و همچنین بازنشستگان کشوری و خدمات درمانی و مخابرات در اتحاد با یکدیگر تجمع داشتند. یکی از بازنشستگان معترض در خصوص مطالبات کارگران سخنرانی کرد و در اشاره به انتخابات حکومتی گفت "تغییر یک مهره در این ساختار نمی‌تواند مطالبات بر زمین مانده را تحقق بخشد" و بر تداوم اعتراضات و مطالبه‌گری تا رسیدن به مطالبات تأکید کرد. در این تجمع همچنین یکی از بازنشستگان کشوری پیرامون آوار معضلاتی همچون پولی شدن آموزش و بهداشت و بیکاری جوانان و مشکلات معیشتی مردم سخنرانی کرد. این سخنرانی‌ها با کف‌زدن تجمع‌کنندگان همراه بود. بازنشستگان شعار می‌دادند: "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "هم مجلس هم دولت، دروغ میگن به ملت"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، و "درد ما درد شماسست مردم به ما ملحق شوید".

در تهران تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی با همراهی بازنشستگان کشوری در برابر سازمان تأمین اجتماعی برپا شد. تجمع‌کنندگان در سخنرانی‌ها و شعارهایشان از جمله به نابرابری حقوق زنان و مردان بازنشسته اعتراض داشتند. در تهران نیز تجمع‌کنندگان با شعار "شریفه محمدی آزادی باید گردد"، اعتراض خود را به حکم اعدام وی اعلام داشتند. دیگر شعارهای تجمع‌کنندگان عبارت بودند از: "حقوق طبق تورم"، "نه صدقه نه منت، حقوق بدین باعزت"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "زن و مرد برابرند، متحد و دل‌آورد"، و "ظلم و ستم در اینجا، مضاعفه بر زن‌ها".

در این روز بازنشستگان فولاد علاوه بر مطالبات سراسری بازنشستگان بر اجرای صحیح همسان‌سازی‌های سال ۹۹ و سال ۱۴۰۳ و جبران عقب‌افتادگی حقوق بازنشستگان صندوق فولاد نسبت به سایر صندوق‌های بازنشستگی و ترمیم حقوق و مستمری خود مطابق با نرخ تورم تأکید کردند. بازنشستگان فولاد در تجمعات و راهپیمایی خود با فریاد



از زندان لاکان رشت آزاد شده بودند.

زهره دادرسی یکی از این فعالین در روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه در منزل پدری اش بدون اطلاع و احضاریه بازداشت شد. خواهر وی زهرا دادرسی نیز، پس از انتشار یک پیام تصویری در مدیای اجتماعی و اطلاع رسانی از بازداشت خواهرش، دستگیر و بازداشت شد. سپس این دو فعال حقوق زنان به زندان لاکان رشت منتقل شدند.

همزمان با بازداشت این دو فعال، دیگر فعالین گیلان طی تماس تلفنی مطلع شدند که باید جهت اجرای حکم تا روز شنبه ۲۳ تیرماه خود را به زندان لاکان رشت معرفی کنند.

جمهوری اسلامی سالها تلاش کرده که با حمله به حقوق زنان با گشت‌های آتش به اختیارش، آپارتاید جنسیتی را به زنان و جامعه تحمیل کند و امروز با صدور و اجرای احکام سنگین برای فعالین حقوق زنان، به دستاوردهای انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و سنگر فتح شده حجاب توسط مردم، حمله کند.

امروز احکام ضدانسانی ۶۰ سال زندان برای فعالین حقوق زنان در گیلان و احضار و بازداشت آنان، حکم اعدام شریفه محمدی، اتهام بغی نسیم غلامی سیمپاری، تماماً بر اساس اتهامات نخ‌نمای رژیم است که همین حالا فعالین زیر حکم یا زندانی‌اش با اسامی حقیقی و حقوقی خود علیه حکم اعدام شریفه محمدی بیانیه می‌نویسند و اعتراض می‌کنند. مبارزه‌ای بی‌امان مردم و زندانیان سیاسی علیه فقر و فساد و نابرابری‌ها با مطالبه آزادی فعالین صنفی - مدنی، عدم شرکت وسیع در انتخابات رژیم با گفتن «رأی ما سرنگونی» و «رأی بی رأی» و امروز در کمپین قوی و باشکوه علیه حکم اعدام شریفه محمدی و علیه حکم اعدام، رژیم را در بدترین شرایط داخلی و بین‌المللی خود قرار داده است.

دفاع از مدافعین حقوق زنان و فعالین مدنی و سیاسی دفاع از انسانیت، دفاع از حق آزادی بیان و اندیشه، دفاع از برابری و علیه تبعیض جنسی و جنسیتی می‌باشد.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی پیش‌تر هم احکام صادر شده علیه فعالین حقوق زنان گیلان را قویاً محکوم کرده بود. ما با اعلام کارزار «علیه آزار و اذیت و زندان فعالین حقوق زنان» از همه آحاد مردم می‌خواهیم تا با همبستگی و حمایت از این فعالین حقوق زنان، به این کارزار بپیوندند. ما می‌توانیم با یک اتحاد سراسری در داخل و خارج از کشور، خواست لغو احکام صادره برای فعالین حقوق زنان در گیلان و از کردستان تا تهران، توقف آزار و اذیت و زندان و آزادی بی‌قید و شرط آنان را به یک مطالبه عمومی تبدیل کنیم.

کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

۲۲ تیر ۱۴۰۳، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۴

راستا ۵۵ نفر از زندانیان سیاسی در اوین که سی نفر آنها از بند زنان و ۲۵ نفر آنان مردان زندانی بند ۴ اوین هستند در اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی با اعلام اعتصاب غذا برای روز ۲۱ تیر به کمپین دفاع از شریفه محمدی پیوسته‌اند. همچنین در این رابطه شانزده زندانی بند زنان زندان اوین بیانیه داده و بر لغو حکم اعدام شریفه محمدی تأکید کرده‌اند. در بیانیه سی و چهارمین هفته اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ۹ زندان کشور ضمن اشاره به این حکم جنایت‌کارانه و اعلام خواست فوری لغو فوری آن بر حرکتی اجتماعی برای مقابله با ماشین اعدام‌های حکومت تأکید شده است.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از کارزار دفاع از شریفه محمدی بر آزادی فوری شریفه و لغو حکم اعدام وی تأکید دارد و از همه بخش‌های مردمی در ایران و در سطح بین‌المللی می‌خواهد که وسیعاً به این کارزار بپیوندند، جمهوری جنایت‌کار اسلامی را محکوم کنند و صدای رسای شریفه محمدی و خانواده او باشند.

یک موضوع تجمعات اعتراض بازنشستگان در این هفته نیز اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی بود. اعتراضات کارگران در سطح جامعه گسترده است. قریب ۲۵ هزار کارگر پروژه‌های نفت در اعتصاب به سر می‌برند و بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران تأکید دارند. این اعتصاب در ۱۲۳ شرکت نفت و گاز جریان دارد و کارگران بر تداوم اعتصاب خود تا رسیدن به نتیجه تأکید کرده‌اند. همچنین بیش از یک هفته است که کارگران شرکت صنایع خمیر و کاغذ دیبای شوستر در اعتراض به وضع بد معیشتی و تعویق پرداخت مطالبات خود در اعتراض به سر می‌برند. بنا بر گزارشات این شرکت بیش از شش ماه است که با تعطیلی‌های مکرر از سمت مالک یا کارگران رویرو است. کارگران آبفای رودبار نیز نزدیک به دو هفته است که در اعتصاب به سر می‌برند. اعتصاب آنها در ششم تیرماه در اعتراض به قراردادهای بردوکار کاری، عدم امنیت شغلی و تعویق پرداخت دستمزدهایشان می‌باشد. طبق گزارشات بعد از دوازدهمین روز اعتصاب مدیران شرکت تنها پنج میلیون تومان از هشت ماه میلیون دستمزد معوق کارگران را پرداخت کردند. کارگران این اقدام مدیران آبفا را «توهین» به خود دانسته‌اند که از آذرمه دستمزدشان پرداخت نشده است. حدود ۶۰ کارگر پیمانی آبفای رودبار به‌رغم کار شبانه‌روزی هشت ماه بدون دریافت دستمزد کار کرده‌اند.

آخرین خبر مربوط به تجمع اعتراضی تراکتورداران در برابر فرمانداری رفسنجان در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت و در نتیجه تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی خود می‌باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ تیر ۱۴۰۳، ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## بیانیه شماره ۱ کارزار "علیه حکم شصت سال زندان یازده فعال حقوق زنان در گیلان"

"متحد و همراه شویم با کارزار علیه حکم شصت سال زندان یازده فعال حقوق زنان در گیلان!"

احضار و بازداشت یازده فعال مدافع حقوق زن در گیلان را قویاً محکوم می‌کنیم!

فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، مهسا بصیر توان، شیوا شاه سیا، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاوشیان، زهرا دادرسی، زهره دادرسی، جلوه جواهری و هومن طاهری و واحده خوش‌سیرت در استان گیلان در تابستان ۱۴۰۲ بازداشت شدند و سپس توسط دادگاه انقلاب رشت در مجموع به ۶۰ سال زندان محکوم شدند.

این فعالین در دوران بازداشت بارها توسط نیروهای اطلاعاتی مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته بودند و نهایتاً با قرار وثیقه به طور موقت



## از خوزستان چه خبر؟

### اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۵ تیر تا ۲۲ تیر ۱۴۰۳

جمعه ۲۲ تیر

- گرمای شصت درجه هوا، خرابی کولرها و محرومیت زندانیان از درمان در زندان شیبان اهواز جان زندانیان را به خطر جدی انداخته است. در این زندان جابر صخرای، علی صیاحی، عبدالامام زائری، محمدعلی عموری، غلامحسین کلبی، مختار آلبوشوکه و علی حلفی زندانیان بیماری هستند که نیاز به اعزام فوری به بیمارستان و رسیدگی پزشکی دارند؛ ولی همچنان از درمان محروم‌اند.

این زندانیان سیاسی دوران محکومیت خود را بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در زندان شیبان اهواز سپری می‌کنند.

پنجشنبه ۲۱ تیر

- به گفته کارگران شاغل در پروژه قطار شهری اهواز ۱۰ ماه مزد و یک ونیم سال حق بیمه و ۸ سال سنوات آنها پرداخت نشده، و بعد از گذشت چهار سال از توقف اجرای پروژه، حل مشکل پروژه قطار شهری اهواز به بن‌بست رسیده است. در این رابطه این کارگران تجمعات اعتراضی بسیاری داشته‌اند و هم اکنون حدود ۱۱۳ کارگر نگهبان شاغل در آن با مشکلات معیشتی سختی درگیرند. طرح احداث پروژه قطار شهری اهواز از سال ۸۱ شروع شده و سال ۹۱ مسئولیت اجرای آن به بخش خصوصی واگذار گردید و امروز پس از گذشت ۲۳ سال، این طرح فقط ۲۴ درصد پیشرفت داشته و نمونه دیگری از چپاولگری‌های گسترده حاکم است.

- سایت حکومتی انتخاب اعلام کرد که به‌منظور جلوگیری از خاموشی سراسری و قطع برنامه‌ریزی شده برق در ۱۵ استان از جمله در خوزستان، به‌عنوان روز تعطیل اعلام شد تا بلکه از طریق کاهش مصرف برق ادارات بتوان خاموشی‌ها را دور زد. این در حالی است که رسماً اعلام شده است که باتوجه‌به گزارش هواشناسی در خصوص افزایش دما و به‌منظور پایداری شبکه برق استان فعالیت کلیه ادارات، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسات عمومی و غیردولتی، شهرداری‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و مراکز و مؤسسات آموزشی خوزستان در روز شنبه مورخ ۲۳ تیرماه در خوزستان به‌صورت دورکاری انجام خواهد گرفت و همه این مؤسسات تعطیل هستند. این وضعیت زندگی و کار را در استان خوزستان مختل کرده است.

- شرکت فولاد خوزستان به دلیل نبود برق تعطیل شده و به کارکنان آن مرخصی اجباری داده است. این شرکت در ماه‌هایی از سال در دو سال گذشته نیز به دلیل کمبود برق، به‌صورت نیمه‌وقت فعالیت کرده و گاه‌گاه شاهد تعطیلی و مرخصی اجباری کارکنان بوده است. برابر برخی گزارشات هر روز تعطیلی این مجموعه، زبانی معادل ۱۵ میلیون دلار برای سهام‌داران آن به همراه دارد. شدت گرمای هوا و افزایش مصرف برق از مواردی در ایران است که بجای افزایش راندمان و کاهش شدت انرژی، با قطعی کنترل می‌شود!

- کارگران خمیر و کاغذ دیبای شوشتر در اعتراض به پرداخت حقوق معوقه و حق بیمه تأمین اجتماعی و سایر مطالبات خود به اعتصاب و تجمع یک‌هفته‌ای خود ادامه دادند. بنا بر گزارشات این شرکت بیش از شش ماه است که با تعطیلی‌های مکرر یا از سمت مالک یا کارگران روبرو است.

چهارشنبه ۲۰ تیر

- اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌ای نفت از جمله در مراکز در خوزستان بر سر سه خواست فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران، در ۱۲۳ شرکت نفت و گاز ادامه دارد و کارگران بر تداوم اعتصاب خود تا رسیدن به نتیجه تأکید دارند

- درحالی که شهر اهواز با گرمای طاقت‌فرسای بالای ۵۰ درجه دست‌وپنجه نرم می‌کند، قطعی‌های مکرر برق زندگی روزمره شهروندان را مختل کرده است. این خاموشی‌ها که در ساعات و مناطق مختلف شهر رخ می‌دهد، بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی قبلی صورت می‌گیرد و باعث سردرگمی و اعتراض گسترده مردم شده است. مردم نیاز فوری به وسایل خنک‌کننده دارند و با قطع آب و برق گرمای هوا بر زندگی و کسب‌وکار مردم تأثیر وحشتناکی گذاشته و در این میان خردسالان و سالمندان بیشترین آسیب را می‌بینند.

- طبق گزارشات وزارت آموزش و پرورش قصد دارد دو مدرسه ابتدائی و راهنمایی شهرک نورد لوله شهر اهواز را تخریب کند. این دو مدرسه حدود هفتصد دانش‌آموز دختر و پسر را پوشش می‌دهد و اگر تخریب شوند این دانش‌آموزان که از روستاهای اطراف شهرک در آنجا مشغول به تحصیل هستند از آموزش محروم می‌مانند. این موضوع به فضای اعتراض در میان این مردم دامن زده است.

سه‌شنبه ۱۹ تیر

- کارگران شهرداری کوت عبدالله ۳ ماه است حقوق نگرفته‌اند. در رابطه با این موضوع و قراردادهای موقت کاری این کارگران بارها تجمع و راهپیمایی کرده و پیگیر مطالباتشان شده‌اند. شهرداری کوت عبدالله یک کانون داغ اعتراضات کارگران است.

- وضعیت جسمی زندانی سیاسی غلامحسین کلبی به دلیل ممانعت از رسیدگی توسط مقامات زندان شیبان اهواز، رو به وخامت گذاشته است. او با بیماری‌های مختلفی از جمله فتق، چربی خون، بیماری عفونت گوش و عفونت دندان که با درد شدید همراه است، بدون رسیدگی درمانی مناسب درگیر است. غلامحسین کلبی به دلیل عفونت گوش و عدم رسیدگی پزشکی، دچار ناشنوایی شده و همچنین به یک نوع بیماری پا مبتلا گردیده که انگشتانش به‌صورت عمیقی زخم می‌شوند. اما از رسیدگی پزشکی محروم است. محرومیت از دارو و درمان بخشی از شکنجه‌های جنایت‌کارانه حکومت در درون زندان‌هاست.

- خیرها از هجوم پشه ناقل بیماری تب دنگی به ایران و گسترش «تب دنگی» در استان‌های مختلف ایران از جمله خوزستان و عدم دسترسی مردم به واکسن حکایت می‌کند. این موضوع به فضای اعتراضی دامن زده است.

- خوزستان یکی از مراکز داغ اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری و مردمی علیه فقر و گرانی و چپاولگری‌های حاکم است. در واکنش به این اعتراضات موسوی جزایری، نماینده خامنه‌ای در خوزستان در این روز در حوزه اهواز با پی‌شرمی تمام گفت: " این روزها باب شده هر جا می‌روی غر و نق درباره گرانی مسکن و میوه و گوشت می‌شنوی. اینها ابترالات دنیوی است که انسان باید از سر بگذراند تا به‌جایش خیرات اخروی درو کند و شاکر نظام مقدس اسلامی هم باشد که این سرفرازی اخروی را برایش فراهم کرده... الان این‌همه که به‌رغم تأکیدات رهبری پای صندوق نیامدند و به فریضه ملی و دینی انتخابات پی‌محلی کردند... آن‌هم به بهانه گرانی و مسائل دیگر!!! نمی‌ترسند که در ابتلای دنیوی رفوزه و دوزخ را



گلوله‌های نیروی انتظامی کشته شد و کریم ناصری، یاسین باوی و شماری از معترضین مجروح شدند. واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری درگذشت این نوجوان را به خانواده و به همگان تسلیت می‌گوید. پاسخ این جنایت را با اعتراضات گسترده باید داد.

### جمعه ۱۵ تیر

- جابر صخرای زندانی سیاسی عرب در پی وخامت جسمانی حالش و با علائم سکنه، دچار پی‌هوشی شد، پس از این اتفاق صحبت کردن او کند شده و به حالت نامفهوم درآمد است. صخرای از بیماری ام اس و مشکلات جسمانی همچون فلج پای راست، ورم بیضه‌ها و درد معده رنج می‌برد و علی‌رغم تهیه داروهای موردنیازش توسط خانواده، مسئولین زندان از رساندن داروها به دست وی خودداری می‌کنند. محرومیت جابر صخرای از درمان و عدم اعزام وی به مراکز درمانی خارج از زندان، موجب افزایش نگرانی نزدیکان او شده است. این در حالی است که او و خانواده‌اش چندین بار تقاضای معالجه در بیمارستان خارج از زندان را داده‌اند. اما جواب منفی به درخواست او و خانواده‌اش داده شده است.

جابر صخرای (صخرای) ۳۱ساله، فارغ‌التحصیل رشته کامپیوتر، از اهالی شهر اهواز است که چهارم فروردین ۹۳ توسط اداره اطلاعات اهواز بازداشت شد و در دادگاه انقلاب اهواز قاضی "شعبونی" به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و عضویت در تشکیلات معارض نظام جمهوری اسلامی به ۱۴ سال و نیم حبس محکوم شد و سپس این حکم در شعبه ۱۶ تجدیدنظر قاضی "سعید کوشا" به ۱۲ سال و نیم ماه تقلیل یافت. جابر صخرای ده سال بدون مرخصی استعلاجی در زندان‌های کارون و سپس زندان شیبان سپری کرده است و دو سال از حکم او باقی مانده است.

۲۲ تیر ۱۴۰۳، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۴

برای خود پیش خرید کرده‌اند؟

### دوشنبه ۱۸ تیر

- بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، بر اساس اندازه‌گیری ذرات معلق با اندازه ۲/۵ میکرون، وضعیت هوا در اندیمشک با شاخص ۱۵۳، ایستگاه پادادشهر اهواز ۱۵۲، ایستگاه پتروشیمی مسجدسلیمان ۱۶۱ و هویزه ۱۶۴ میکروگرم بر مترمکعب در وضعیت ناسالم و قرمز قرار داشته است. طبق این گزارش وضعیت هوا در ایستگاه‌های استانداری خوزستان، پست برق شماره سه اهواز به ترتیب ۱۰۴ و ۱۴۱، بهبهان ۱۳۲، خرمشهر ۱۲۴، شادگان ۱۴۳ و شوش ۱۱۸ در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس گزارش شده بود. در این خبر هوای هیچ شهری سالم و پاک گزارش نشده است. تخریب محیط‌زیست و در نتیجه آن آلودگی هوا از معضلات مردم خوزستان است که به‌خاطر آنها بارها با فریاد "هوای سالم حق مسلم ماست" تجمع کرده و زنجیره انسانی اعتراضی برپا کرده‌اند. جنبش علیه تخریب محیط‌زیست یک جنبش قوی در خوزستان است.

### یکشنبه ۱۷ تیر

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش و اهواز و صنایع فولاد در اهواز در اعتراض به فقر و فلاکت و بساط سرکوبگری‌های حکومت و برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند.

### شنبه ۱۶ تیر

- نیروهای انتظامی با حضور یدالله مرعشی و حیدر جامعی ساعت ۸ صبح به کوی شکاره کوت عبدالله جهت تخریب منازل تعدادی از شهروندان به این کوی هجوم بردند. مردم کوی شکاره با تجمع و اعتراض و مقاومت مانع این کار شدند که با ضرب و شتم و همچنین تیراندازی نیروهای انتظامی روبرو گردیدند. در این میان محمد سمیری ۱۷ساله با

## راه‌اندازی پتیشن برای لغو حکم اعدام شریفه محمدی و

### آزادی این زندانی سیاسی



برای امضای پتیشن  
این بارکد را اسکن کنید

www.cyoiran.com

تلگرام، واتساپ و سیگنال ۰۰۴۶۷۶۰۸۰۰۶۸۰



# انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

[anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

[milad.rahei@gmail.com](mailto:milad.rahei@gmail.com)



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: [www.facebook.com/wpiarn](https://www.facebook.com/wpiarn)

اینستاگرام: [www.instagram.com/wpi91](https://www.instagram.com/wpi91)

تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سوآلی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

[newchannel.tv/live/tv](http://newchannel.tv/live/tv)

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)